

خویش قتل رسیده با اتباع یزید اول مشهور شدند  
( قطع دارالقوم الذین ظلموا والحد لله رب العالمین )  
اهالی نام این ساطن از ظلم و عدوان مستبدین  
قارغ و در راحت عدل و احسان آرمیده اند ( لقتل  
ذالك فلیعمل العالمون )

بر جمیع علماء اعلام و سادات و تجار و سایر طبقات  
دین دار لازم است که به تکلیف شرعی خود قیام و  
در اجراء احکام حضرات آیات الله نجف اشرف که  
مرجع تقلید و حافظ بیضه اسلام اند اقدام و قاطبه حکام  
را اعلام و علان نمایند که با اصول مشروطیت رفتار  
عموده برخلاف وضع استبداد سلوک و با کمال احترام  
همراهی نمایند و نه نمایند و نه عقرب بسزای اعمال  
خویش خواهند رسید

از طرف ما نایب الحکومه ندر را اعلام دهید که  
اگر برخلاف سابق دست از حرکات و احتیاط فساد و  
الحاد بردارد دمار از روزگار ظلام در آورده و  
البته ملحق بسائر متابعین برید خواهند گردید ، و بسوء  
طاعت و معصیت خویش دچار خواهند شد

ان ورقة انام حجت را رسا بایشان رسانیده  
حواب شافی کافی به اطاعت بقوانین مشروطه یا عدم  
آن را فوراً اسال دارند تا بر حسب تکلیف شرعی و  
بر طبق احکام حضرات آیات الله نجف اشرف با ایشان  
رفتار نمود ( و بل لمن شفاة خصامة )

امروز بر هموم وطن پرستان دیانت شعار لازم  
است که دست اتحاد بیک دیگر داده و با هیئت  
اجتماع به نایب الحکومه های خود شدیداً اعلام دهند  
در خصوص اجراء احکام پیشوایان دین و حضرات  
آیات الله نجف اشرف در خصوص اطاعت بقوانین  
مشروطیت و آنها را متنبه نمایند از خلاف و عد  
و مخالفت با احکام شرع برخلاف سابق و جبرانی  
حرکات سابقه خویش را نمانند و ره بر مسلمین واجب  
خواهد شد محاربه با آنها و در حق آنان این آیه  
مبارکه حتماً اجرا خواهد گردید ( ان یقتلوا او یصلبوا  
او قطع یدیم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض )  
اقل مجازات ایشان الحراج و بلاد اسلام خواهد بود ،  
متظربیم که جواب این ورقة رسد تا به تکلیف شرعی  
عمل نمایند

عمل مهر حضرت آقای آقا سید عبدالحمین -  
مجلس اسلام - انجمن ولای - انجمن اسلام - انجمن  
مجاهدین -

### حبل المتین

جمیع اربابان دیانت شعار از اقدامات خدا پسندانه  
وطن خواهانه حضرت مستطاب آقا سید عبدالحمین

شیرازی همین که وارد قارس شدند تاگرافاً مأمور  
بجنگ مشروطین لار و گره تازی حضرت آقا و وصول  
مالیات شدند . خودشان با جمیعت زیاد وارد ( داراب )  
شده و اردوئی تشکیل داده و از رعیت سید در  
همان داراب طاعه اردو بلار فرستاده و بسیاری از  
خوانین لارستانرا هم بر علیه مشروطین و انگیخته  
وارد لاری شوند و بدون تفریق آغاز قتل و غارت  
مسلمانان نمایند ، سپس سید حکم دفاع میدهد و در  
۲۸ ذیحجه بین مشروطین و قشون استبداد جنگی  
عظیم رویداده و بیک حمله مجاهدین غیور اسلامی  
اردوئی که بعد از سه ماه کوشش پسر های قوام با سر  
شاه امین الخ طغیان تشکیل شده بود براگنده شده  
قتلاد فر از همان دیوان و خوانین و بستگان قوامی  
و افراد قشون در سوء کردار خویش قتل میرسند ،  
اینک تمام محال کوهستان و سیمه جات و بلوک و محال  
لارستان از لوث و حود مستبدین پاک و در تحت اداره  
مشروطیت است ، و بالغ بر چهار تنگهی جرار تحت  
امر حضرت آقا موجود و در حین جنگ نیز ده هزار  
دیگر هم بر این عده افزون تواند شد ، انجمن ولای  
در لار دائر و انجمن اسلامی که حساب مستطاب آقا  
در شیراز تشکیل عموده بود مجدداً در لار قائم فرمود ،  
و بیک نجفی هم مجاهدین در لار افتتاح نموده فعلاً  
بمحداه تمام قوانین مشروطیت در لارستان دائر است ،  
از قرار اخبارات موقه بین حضرت آقا و رؤسای ایل  
قشقائی هم مراسم جاری است که متحداً حرکت عموده  
قشقائی شیراز و سایر شهرهای قارس را قبضه نماید ، و  
حضرت سید نادر را در تحت اداره مشروطیت در  
آورد ، چنانچه بتازگی از طرف حضرت آقا و انجمن  
ولای و انجمن اسلامی و انجمن مجاهدین خط انام  
حجتی بحکم صادر نوشته اند که عیناً براسی درج در  
حبل المتین انفاذ میگردد

### اعلامنامه اداره مشروطیت لارستان

هموم طبقات ملت و علماء عظام و تجار دین دار  
و سادات دوی العز و الاحترام را بشارت ، از باطن  
شریعت و توجه اعلی حضرت حجة الله ارواح العالمین فداء  
و از برکت و عنایت و توفیق بسادات اجراء احکام  
حجج الاسلام و آیات الله علی الانام رؤسای مذهب  
جفری در وجوب مدافعه و مجاهدت باغیبه مستبدین  
& بیروان یزید تازی ۲۷ محال کوهستان و سیمه جات و  
بلوک لارستان در بیک حمله مجاهدین بعد از غلبه نامه  
۲۸ ذیحجه الحرام در تحت لوای مشروطیت درآمده ،  
تمام مستبدین از خوانین و محال دیوان و اتباع قوامیان  
غضول و منکوب و قتله قمر شان از سوء حکم کردار

سلمه الله تعالى و سایر مجامدین و مشروطین لارستان کمال تشکر را دارند ، درهای ایران کسبکه به تکالیف شرعی خود در پیروی احکام منقذہ حضرات آیات الله در مقابل مستبدین بی دین عمل نمود حضرت ایشان و سرکار حاجی پیش مار در سهای بود که این دو وجود محترم در این عصر سیرت موالیان خود را از دست ندانند ، ههای اسلام باید مانند دوالی خود هم حطیت منبر باشند و هم قاری میدان وفا ، روز نامه جدولین که شانزده سال است فریاد مژد که ههای اعلام باید در محن مساجد فلک بدوش گرفته قبل از تار مشق جهاد نمایند برای پیش آمد جنین روز بود نیدام که ما این وضع نازم اهالی بنادر و بنجار محترم محس و غیرت آمده در حفظ حقوق ملیه و دیانت اسلامیه این سید بزرگوار را تأیید خود نموده و یا منظر خواهند بود که از سستی عنصر در شمار مستبدین بی دین بشمار آمده از دم شمشیر قاریان اسلامی بگذرند ، ههای بی حس و بنجار حبان باید بداند که ظاهرات بی طریقه آنها بیج طرف مورت قائده و اثر تواند بود ، یعنی بر فرض محال اگر استبداد غلبه نماید اول کسبکه تحت شکنجه مستبدانه در آبد ایشان خواهند بود و حسنی شار بر باد داده خواهد شد ، و اگر مشروطین غلبه جستند چون پیروی از احکام اسلامی نه نموده اند بر طبق احکام قرآنی ما آنها سلوک خواهند نمود ، اگر نمیتوانید کمک جانی بنزبان اسلامی نماید چه عذری جزدهانت در رسانیدن کمک مالی ایشان دارید بر فرض علناً تابع دارید سرأجرا میکنند بحقیقت انصابت سوگند که برده از روی کار برداشته شده و بمساذیر بارد نمیتوانید خود را از لوم لائم رهانید ، ما تا میتوانیم بکنایه سخن میراج ولی طایفه مجبور خواهیم شد که بصراحت بیان واقع کنیم

( و ما علينا الاالبلاغ )

الحراج اخبار وقایع نگار ( رج ) از طهران  
چنانچه روزنامه ( رج ) که از اخبارات معتبره پترسبرگ است مینویسد وقایع نگار اورا بحسب خواست شاه سفیر روس از طهران الحراج نموده ، الزامیکه بوقایع نگار موصوف داده شده بود افشاء رازی است که تلگرافاً اخبار مزور نموده و آن این است :-  
دولتبان مصمم شده اند برای نمودن بدول خارجه قشون را مخفیانه لباس فدائیان پوشانیده حرکت بحجاب آذربایجان دهند که در مقابل مشروطین باسم فدائی استبداد به جنکند ، و نیز هر ظارت اموال و قتل اجانب در سرحد روسی و اقدام کنند تا اینکه اجنبیان را مجبور بمداخلت در امور ستارخان و مشروطین

آذربایجان نمایند بی ( جنین کتند بزرگان چه کرد باید کار )  
اخبار مذکور مینویسد که فرض اصلی محمد علی از فرستادن علاءالملك بسفارت فوق العاده در پترسبرگ تدارک قرضه جدیدی است که برای سرکوبی مشروطین شاه ساهی است حاصل باید

تشکیل کمیسیون خاص در انگلستان  
( برای بحث در معاملات ایران )

در پارلمان انگلیس کمیسیون خاص تشکیل یافته که در معاملات سیاسی و پیشرفته مقاصد ملی و ترقی مملکت ایران مورد و تأمل نمایند . در این کمیسیون علاوه بر بعضی از امضای پارلمان جماعتی هم از دامایان انگلیس که در معاملات ایران هماره حصه گرفته و همدردی اظهار داشته شرکت داده اند .

موضوع بحث این کمیسیون دو نکته خواهد بود . اول احضار حقوق حریت خواهان ایران و ترضیه خاطر ایرانیان به پیروی از خیالات خلاصانه دولین روس و انگلیس در عدم مداخلت بامور داخله ایران و کوشش خواهند کرد که در کله ایرانیان بگذارند اصول حفظ حقوق ملی را بجایباری و قوت ملی و اطمینان دهند اهالی ایرانرا از عدم مداخلت احزاب در امور داخله آنها تا این نکته مورت قوت قلب آنان گردد

دوم - این کمیسیون کوشش خواهد کرد در انعقاد پارلمان ایران با سراطات مواد ذیل اول عضو جراثم پلنیک بطریق عموم دوم آزادی عمومی در انتخاب وکلای ملی برای پارلمان جدید سوم نگرانی تا به پارلمان ایران بر کایه عایدات ملی

لارد لنگتن رئیس کمیسیون و مستر اچ آر . دی .  
لج صدر . ونی . جی برون نائب صدر . و مستر آر .  
اچ . گرتین - سکرتری انتخاب شدند

تنگرانی از عباسی ۱۵ جنوری

حکومت مقتول و ادارات حکومتی نام قبضه مشروطین درآمد و امنیت برقرار شد

مکتوب اصفهان

( غره ذیحجه )

مخالفت بختبارها با دولت کم کم دارد کسب اهمیت میکند ، هنوز هم حکومت از جهالت و نادانی ماریامده حرکتی جز به قوت ملت از دولت از وی صادر نمیشود حتی بزرگان مستبدین اصفهان از بد سلوکی حکومت ببنوه آمده قابلاً مائل بشروطیت شده اند - سواران بختباری علناً برخلاف دولت آقا ب خود سری نهاده ، حکومت ( با اینکه کاشی است ) در میدان مشق آمده با قشون موجوده اظهار قدرت و جلالت

شد این اوقات از آن تهمت منصرف گشته دو عنوان دیگر انتشار داده اند

یکی آنکه اساس مشروطیت و اصول قوانین اساسیه منافی با شرع اسلام است، لذا دولت قبول مشروطیت نباید بکند، و جی از ظلم نمایان بروج دار و مؤسس این بنا هستند

دوم آنکه مشروطیت موافق مزاج حالیه اهالی مملکت ایران نیست، بواسطه جهالت و بی علمی عموم مردم، مستبدین هر دو ماده را سفرای خارجه ارائه داده اظهار عذر در تسویق اقتتاح دارالشوری مینمایند، و نیز این دو عنوان را وسیله تعدیات ظالمانه و حرکات غدارانه خود قرار داده تا رفع تهمت از خود نزد دول عموده باشند، و از روز انفصال دارالشورای کبری حکام مستبد در همه شهرها از انواع ظلم و اذیت و ارتشاء و جریبه و اتهام بمشروطه طای و کتک و حبس و شکنجه و داغ و درفش و اشکک دره فرو گذار نکرده اند، و اتهام دارند جمیع آثار حنفیه دوره مشروطه را بتدلیس عمو نمایند، حتی قبر سید الحمید را نیز عموده جسد ذریه رسول الله را بیرون آورده آتش زدند، بجهت اینکه شهادت سید مرحوم تاریخ اقتتاح دارالشوری بوده، و بقبر و قسری از مردم بیچاره نوشته میگیرند که ما مشروطه می خواهم، و هرکس که نوشته دهد یا صحبت مشروطه بدارد شباه گرفته یا تاف مینمایند و یا دارائی او را جبراً میگیرند، آنچه محقق گشته همه این تعلیقات بواسطه یکی از دول کافره مجاوره و نفیات موسبقیه عمرمانه آن دولت است که حرصه تماشخانه ابرازا از خون مقدس مسلمان سرخ کرده و بزیمات هائل الحان کفریه است که شبخ نوری و محمد حامی و حسن تبریزی باستادی شایسته یهودی بازیگر این تماشخانه شده اند، و باهنگ سریه آنهاست که بیت الله بنوب بسته شد و قرآن کریم زیر لگد اسبان قزاقها افتاد و . . . و . . . و

مختصراً چون این انتشارات اسباب شبهه بعضی از عوام شده مستعدی از محضر مبارک آن موالی آنکه جواب شافی وافی ساده در خود فهم نامه مرقوم فرمایند تا عموم مسلمین در تکلیف شرعی خود منجیر نباشند

میکنند و چند نفر بختیاری را هم باسم جاسوسی گرفت و حکم داده که هر يك از بختیارها که بشهر آید بگیرند بختیارها نیز اطراف شهر را بوسی منوشی کرده اند که در بیرون دروازه کسی مالک مال و جان خود عیاشد بد سلوکی بختیاریان بیشتر با بستگان حکومت مییاشد

افواه است که از طرف ستار خان چند نفر در میان بختیارها آمده کمال این است که اصفهان نقطه مقابل تبریز شود اصفهان مانند تبریز سرحدیت ندارد که در انقلابش اسباب خوف در تصرف اجانب برود لطف این جاست که با این حال دیروز تلگرافاً از حکومت بول طالبات خواسته اند با خلیل تشر حکومتهم هر چه از طالبات وصول کرده خود بردانته ومدعی است که طالبات سال آینده اصفهان را هم طلبکار است، درین شك نیست که وقت حرکت با اصفهان بکشمشت بول تقد بشاه تقدیم کرده در هر حال از تلگراف دیروز ظاهر است که اگر بول بطهران فرستند معزولش خواهند کرد

### مکتوب از همدان

( ۲۰ ذی قعدة )

شماره چهاردهم نامه مقدسه زیارت شد که نقل فتاوی و احکام و رسائل حضرات آیات الله مدظلالهم در ماده مشروطیت سلطنت ایران بود، تأسف محوم سؤالیکه دوازدهم رمضان المبارک هیئت متدینین این شهر از حجج اسلامیه نموده وجوابیکه آن بزرگواران نگاشته بودند شامل آف نبود، خیال کردم شاید در شماره های بعد نقل شود در آنها هم کنون دیده شد، لذا عین سؤال و جواب که کمال اهمیت را دارد ارسال خدمت داشتم تا تکمیلماً لاسبقی در نامه مقدسه درج نماید خادم ملت ( حسن الحسینی )

( سؤال )

خدمت آقایان حجج الاسلام و آیات الله علی الانام دامت برکاتهم هر چه میدارد، تا دارالشوری و دربار مل اسلامی و فتاوا که تجدیده برقرار بود مستبدین مندوبان و وکلاء را به بایست و بی دینی قذف مینمودند، چون کذب قولشان درین قضیه واضح و افترا ایشان در حق مؤمنین لایح و واقفاً خلیل اسباب اقتضاح و شرمساری

( جواب )

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد خير خلقه و على عترته الطيبين الطاهرين - بلى از اول القاد دارالشورى كبرى عظامى ايران موقنين و متدينين و مؤمنين از علماء و سادات و وزراء و اعيان و تجار و كسبه قاطبة بلاد محاسن علس و ثمرات خيرة آن و متكاتفاً و متضافراً فوق حد الدوائر باها نوشتند ، سببا ايرانيان مقيم خارجه نتايج و خيمه و مخاطرات ذميمة استبداد را كه ضعف ملت و دوات مانند بلك بقاء بحالت استبداد العياذ بالله علت تمامه اقراض سلطنت مستقله طريقت حقه انى مشريه سلوات الله عليهم است باده واضحه و براهين لايحه ابيات و مدال داشتند ، و ما خود مان نيز در حقيقت سلطنت استبداد و سلطنت مشروطه تفكر تام و غور دسى كامل نموده با ملاحظه سوابق اطلاعات كه از تصديبات و بغاوت حكام جور و تجاوزات مباشرين امور ديوانى داشتيم نيك بسنجيديم ، و حالت حاله ايران را درين قرن با قرن سابق بدقت مقايسه ميكرديم ، متضخ گشت كه اگر ملك ظللانه و طرقته فداراه سابق تدبير داده نشود هتقريب خدائى تا كرده اين شعبه از سلطنت اسلامى مضطعل و منقرض خواهد شد ،

پس بمقتضاي تكليف شرعى كه در عهد داشتيم و در قيامت كبرى ار سكوت آن عذر نداشتيم رفتار نموده آنچه متعلق بتأسيس دارالشورى و اجتماع هيتت جبهى از موقنين و متدينين و در خصوص كبراي كليه و سفرى به شخصيه مجلس دارالشورى نوشتيم ، كه مخالفت هين مجلس منهدمه بهارستان حرام و محاربه با صاحب شرع صلوات الله عليه است ، و اطاعت حكم مخالف و حمله و شيك بر مجلس و مجاميسان و حاميان آن مانند مجاهدن تبريز و غيره اطاعت حكم بيت و طاغوت و حاميان استبداد محارب و در عداد قشون بريدن ... و به است ، و هكذا احكام ديگر آنچه راجع باین نکته بوده در جواب ژالات بلاد ايران و بلاد خارجه نوشته ايم ، كذا حمد لله كرتامى و فروگذار نشده ، هر كه بخواهد همان حكام سابقه ابتدائيه و جوابيه كه صادر شده رجوع بايد ،

آنكه و نته ابد آزه در عنوان ديگر كرده اند

بلى معروف است ( المريق يقثبت بلعبته ) چون مستبدين خائنين در اول تأسيس دارالشورى اسكتر سوابق بودند بكان اينكه ده رياست و قارتكرى آنان تمامه نخواهد بافت ، چون با استقرار دارالشورى راه تصديبات آنان مسدود گشت ناچار علم بغاوت افزاشته بناى طغیان گذاشتند ، پس از آنكه جبهى از عالم بايان چشم ز شرع پوشيده حفظ الهى را برضاي مخلوق خريدند و كلبه جهنم را مكر زدند تا كى از هيج تهمت و فتره نخواهند داشت ، هار طور كه اكدوره هاى صفتى هم و خاصى زاويه مقدسه از قلوب صافيه محوشد و انتشار بشناعت بسزاه مبتلا گشت ، انشاء الله اين اقلوطه هاى جديده هم هتقريب رفع ميشود اگر چه حواب هر دو اكدوره جديد الا انتشار از احكامات شرعيه صادره مستفاد ميشود و از سيايات فوق نيز ظاهر شد ولى محض تشديد اذمان و تشریح ابن بنیان حيرت توانان عرض ميشود ،

امروز عتلايه عالم متفق اند كه مقتضيات اين قرن مضار با مقتضيات قرون ساله اسه هر دولت و ملتى كه در امور حرفيه و موضوعات خارجه از قبيل تسليح طرق و شوارع و تجهيز عساكر ريه و محربه بطارر جديد و آلات جديده و تأسيس كارخانهجات كه سبب نزوت مليه است بوضع حاله نكنند و علوم و صنايع را رواج ندهند بحالت استقلال و حفظ جلاليت افراد مستقر نخواهد بود ، و بقاى رسلك قديمى جز اقراض و اضمحلال نتيجه نخواهد داد ، پس تأسيس اين امور محترمه حفظ بيضة اسلامى است و در معنى اين اعمال بك نحو جهاد دقلى است كه بر عامه مسلمين واجب و لازم است ، بلكه در شرعيات اهم از اين نيست و همه كس ميداد دول كفر از هين طرق ترقيات كرده دست تطاول و تلب غناك مقدس اسلامى كشوند ، پس امروزه تكليف عموم مسلمان قهراً هين است كه ترك مسلك خبيث استبداد نموده در تحصيل اين مشروع مقدس كه اقامه دارالشوراي ملي و اجراى قانون مساوات قرآنى مياشد ثابت جهدرا مبذول دارند تا از برکت آن بتوانند حفظ سلطنت اسلامى را نموده باشند ، چنانكه احرار دولت عليه عتايه با ابقاى مراسم هيت اسلامى بشر و تأسيس آن نايل شدند ، و

اگر دول مجاوره بلکه هموم دول از این راه ترقی و تسلط بر اسلامیان پیدا نکرده بود این تکلیف بر مسلمین متوجه می شد، ولی امروزه قهراً طایفه مسلمین بر این وظیفه شرعی و عقلیه محض حفظ سلطنت استقلالیه اسلامیه مکلف اند، و متهم از آن یا جاهل و احمق است یا معاند دین حلیف اسلام، و اگر فرض خلاف واقع بکنیم که با وضع استبداد اساس ظلم بیادت دربرنده نیز استقلال ایران از تأیید الهی و برکت حجت عصر هجرت فرجه باقی خواهد بود، مع ذلک سلطنت مشروطه و عدالت و موااسات در کلیه امور حسبیه بشرح اقرب از استبداد است

مدعی است عقول عدیده و جهات خفیه و کائنه اشیا را بهتر از عقل ادراک میکند و ظلم و جور و اجساد و آمدی بافضالیت و حکمرانی مبسوطان مات بدرجات کمتر خواهد بود از دوره استبداد و همواره آن مدت اقامه دارالشوری دیده شد که مدت دو سال فلس و دیناری باحدی تعدی و ظلم نشد، با آنکه میولای استبداد در هر قطری جنود الشیطان و شیعیان آل مروان را امر بقتل و قتل و نهب مینمود، مع ذلک در تمام دو سال بقدریک عشر تعدیات حکام درین سه ماهه دوره استبداد واقع نشد و اگر احیاناً خلاف قاعده می شد از شیطان همزاد بود، از ناحیه مجلس، گذشته از این مگر سلطنت استبدادیه شرعی بود که از تغییر و تبدیل آن بسلطنت مشروطه بدسیسه همروطایضی ضران مشروره نموده، محض تشویش اذهان هوام و اغلوطنه دل فریب باعث این همه فتنه و فسادگشته سفک دیماه و هتک اهراض و نهب اموال را اباحه نمودند و اصعباً چگونه مسلمانان خاصه علمای ایران ضروری منب امامیه را فراموش نمودند که سلطنت مشروره آن است که متصدی امور طایفه ناس و رفق و فتن کارهایی قاطبه مسلمین و فیصل کافه مهام بدست شخص مصوم و مؤید و منصوب و مخصوص و مأمور من الله باشد مانند انبیاء و اولیاء سلوات الله علیهم، مثل خلافت امیر المؤمنین (ع) و ایام ظهور رجعت حجت علیه السلام، و اگر حاکم مطلق مصوم نباشد آن سلطنت غیر مشروره است چنانکه در زمان غیبت است و سلطنت غیر مشروره در قسم است مذهب نظیر

مشروطه که مباشر امور طایفه غفلا و متمیزین باشند و ظالمه جابر است آنکه حاکم مطلق یکفر معالی العنان خودسر باشد، البته بصریح حکم عدل و فصیح منصوصات شرع غیر مشروره عادل، مقدم است بر غیر مشروره جابر، و تجربه و تدقیق ت صحیح و غور رسپای شافیه مبرهن شده که نه عشر تعدیات دوره استبداد در دوره مشروطیت کمتر میشود، دفع افسد و اقبح فاسد و قبیح واجب است چگونه مسلم جرئت تقوه بمشروعیت سلطنت حارم میکند و حال آنکه از ضروریات مذهب جعفری (ع) قاصیت سلطنت شیعه است، و اگر بحسنه شقاوت و ظلم مدعی سلوک باحکام شرع باشد باید دفتر را بهم بچید و تجدید مطلع کرده این طمع خون آلود را از راه مسلمین رچید،

باز نظر بمصالح مکتونه باید مطالبات خاطر را لمصاحه لوقت کتار کرد، و بیان موجز تکلیف اهل طایفه مسلمین اشیا میکنیم که موضوعات صرفیه و امور حسبیه در زمان غیبت غفلا مسلمین و نقات مؤمنین مفوض است و مصداق آن همین دارالشوری کبری بوده که بظلم طغسان و عصاة جبراً منفصل شد، امروزه بر همه افراد مسلمین واجب عینی است که ذل جهد در تأسیس و اعاده دارالشوری نمایند، تکامل و نمرد از آن بمنزله فرار از جهاد و از کبار است آبا حواب مسئله دومی که عدم صلاحیت و استعداد اهل ایران باشد برای مشروطیت اگر چه راسع بشرع نیست و از وظیفه دعا گوایان خارج و جواب سیده عقلای مسلمین است، ولی چون این ایام سیاسیات و صرفیات ایران با جهات شرعیه احتلاط و ارتباط تام پیدا کرده بحر ایجاز متعرض میشوم، بلی این در صورتی بود که اعیان و مباشرین امور دیوانی در مدارس علمیه تحصیل علوم صنایع از فلاحات و تجارت و سیاست و باسطلاح حالیه بلیتیک و علم حقوق خواهد باشند، ولی افسوس این جهالت و نادانی مشترک است طایین شاهزادگان و وزراء و اعیان و امره و خوانین و اولیای امور دیوانی و میانه زارعین و دهاقین و کسبه و بچار همین جهل باه الامتیاز آنها است که عین مابه الاشتراک است، لامیز فی الاعدام من حیث المدم - و اگر دهوی علم کنند مکار حس و وجدان انسانی است زیرا که

درین قرن اخیر هیچ نحو آثار علمیه و عقلیه و خیریه و شرعیه از کلیه مباشرین امور دنیوی دیده نشده ، باز بقنای عقل و شرع و وجدان انسابت اجتماع عنون ناقصه بهتر ازینکه عقل ناقص هوا پرست بی رادع می باشد ، مدعی است حدیث خلا ابالی را مانند شیراز و اصفهان هر قشیت مبدعند از یکنفر جاهل طماع شربر خاین خدا نشناس والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته اللهم ایدالاسلام و امله

مکتوب یکی از علمای نجف اشرف

( نقل از جلد ۹۳ بحار الانوار )

باب ما ورد عن امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام

بالاتم علیه الصلوة والسلام

آخر باب مزبور حضرت مولی الموالی صلوات الله علیه خطاب فرزندش حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام میفرماید

بنی اذا ما جانت التزک فانتظر

و لایة مهدیه قوم فیصل

وقل ملوک الارض من آل هاشم

و بوج منهم من یبذ و یهزل

منی من الصبیان لارای عنده

ولا عنده جد ولا هو یقتل

تم یوم القام لحق ینکم

و بالحق بآئیکم و بالحق یعمل

منی منی الله روحی فداه

فلا نخذلو . یا بنی فاجلوا

این اقل خدام شریعت مطهره ساعتی خاطر مؤیدالاسلام را در مطالعه اشعار فوق و انطباق باین زمان توجه میجواید .

بر واضح است که هر قدر ظلم و جور بیشتر مترقیین فرج ظهور حضرت قیته الله ارواحنا فداه امیدوار تر میشود ، چه پیشوایین ما که عالم باکان و مایکون بوده اند ما را در تمام حوادث فحیه که علامت ظهور است خبر داده اند .

عجابه مطابی که غمض عین و سکوت از آن مورد مواخذة الهی است اینکه خاطر شریف و تمام متدبیین اسلام مستحضر است که در این جزء زمانت عمده جبهه خراب دین مسبین و هدم قواعد شریعت سیدالمرسلین صلوات الله علیه و آله الطیین الطاهرین از

جیالاتی عالم نمایان بعمل دین دنیا فروش است . که هنر خود را در همراهی و مساعدت ظلمه و جبابوه داشته تمام حرکات و سکونشان بر وفق میل آنهاست بیچوجه حق را ملحوظ ندارند ، معیت شیخ فضل الله نوری در طهران و حاجی میرزا حسن در تبریز رسید کاظم یزدی در نجف اشرف با دولتبان سبب تخریب شرع و اینهمه در فوس گردید ، که آثارش تا قیامت باقی است .

عجب از صداقت اعلی سواحل بحر و برخی دور افتادگان هند است که با اینکه مفاسد اعمال سید کاظم را دیده و شنیده اند و راه مقصد خود دانسته و در سال هزار ها مال امام زمان علیه افضل الصلوة والسلام را بدسائس و وسائس شیاطین اس از آن بیچارگان گرفته صرف مصارفی میشود که قلم را از نوشتن مار و کافه را از قبول آن شکر است .

آیا آن ساده لوحان اخبار دم علماء سوء و لزوم فرار و نجنب از آنها را شنیده ؟ آیا این یکه خبر از چندین خبر متواتر با آنها رسیده ؟

قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم القنیه امناء الرسل عالم یدخلوا فی الدنیا . نیل یا رسول الله و ما دخلوهم فی الدنیا . قال (س) تباع السلطان ، فاذا فلو اذک فاحذروهم علی دینکم ( در جلد اول بحار )

آیا انبیاء سید از عهد علی مرتد ظالم حیار سفک قتال للمسلمین از خطوط و تکرارانش ظاهر بیست ؟ آیا در تمام این مدت که سید مزبور بشیادی مال این بیچارگان را میبرد شایعه اند دیناری به فقیری یا سیدی داده باشد ؟ یا عشر از اعشار مال فقراء را صرف راهی نموده باشد ؟ که مرضی خدا و رسول باشد ؟ بلی در مقام رشوة باجزا حکومت دهن و اذیت و آزار نمودن و رسائل و رسل در اطراف برای دعوت باو و بردن حقوق فقرا بی اختیار است دای بر حسب تکلیف شرعی عرض مینماید که اگر امروز جناب عالی بنوک قلم حق نبیان خود ابلاغ این مفاسد را بتمام افراد اسلامیان فرمائید خداوند معاف و عا قریب قنیه این سید در عالم اعظم از قنیه میرزا علی محمد خواهد شد ، یقین است اسلامیت جنابهالی سکوت در این مورد را روا نخواهد داشت

### نگارش منبر سیار

دیری گذشت که خامه ام را آسودگی دست داده از بس ماهوارهای کشورمان برچاسوی نیم ترکتازی کرده به در خود توانائی نگارش می دیدم و نه در نگارشم سویی برای سرزوبوم ایران می یافتم و از این رو چندان بنگارش جگامه نمی برداختم. کنون از فراموشی های گذشته بربخ اندر شدم و خواستم باز شیوه دیرین را گرفته پاره گفتنیها را بگویم و راه راستی بیوم، پس بدان سرشدم که نامه کلونی بزبان ایرانی بوده و از آموزش با نازی آزاد باشد و باز هم سخنهای خلیل شکفت بپوی هم که برای محافظان سحت و دشوار است در آن باشد، هر چند از کار نکردن در این راه میدانم که نگارشم چنانکه باید و شاید دارایی شیری و روانی نیست، باز هم امیدم است که برادران کشوری ما بدیده بزرگواری دو آن نگردد و همچنانکه سزاوار پایگاه بلند خودشان است از کم و بیش آن درگذرند

### گفتاری در پیش آمد ایران

در این هنگام نگارش می بینم سراسر کشور ما را ابرهای تیره و نار فرا گرفته و بادازه نقابهای ویرانی رخ نموده که گویا دیگر امید رهائی برای ایران نمانده و تیرگی آن ابرها تا بجائی رسانده که همه دانیان را راه ما امیدی کشاده، چرا؟ برای اینکه دو بیست سال است بیداد یک مشت ستمکار در ویرانی این سرز و بوم و پریشانی نوابوگان بران کار میکرده، برای اینکه در همه آن سالیان دراز یک کسی پیدا نشد از آن ستم و بیداد جلوگیری کند و مردم را از آن آزاد سازد، بلکه هر کس و سرکار آمد تا توانست در پیشرفت کار بیداد و کک ستمکاران بداهاد کوشید و این مردم بدبخت را مانند گاوان شیره دوشید، از ایشان گرفت و برای بهلو بندی خود بستمکاران بدگفت داد و بیخ ستم را در این سر زمین بدترین رنگی نهاد

یکی از بدبختیهای که ما را باین پستی و خواری کشانیده همین است که گمان کردیم یاسای کشور داری باید همیشه مانند همان کهنه کاری گذشتگان باشد، پوست

کنده بگویم، پندار ما چنین بود که همان یاسای کیومرث و هوشنگ یا داراب و دار برای کشور داری کنونی خوب بوده و سست، خردمندان که در هر جا بدیده دانش میبکنند خوب میدانند که آن پندار ما یکباره بیپوده و بربخ بوده زیرا که آن یاساوزاکور کهنه را کار خورده، و نمیتواند در این هنگام که چشم همه مردمان چون ز برنو دانش و فروغ اختر بنفش باز شده دیگر جهان سرهای کهنه و پوسیده بچیند، دست از زاکون های نازه که برای نازه گی و برومندی کشور بی سودمند است کشید

دیگر ز بدبختیهای ما که ما را در اندازه کار پس انداخته است که همیشه همین نشستن و گفتن و برخاستن دلخوش مانده، کردن را پس پشت انداختیم و همه بگفتارهای خشک و مغز که سراسر می سود بوده، دست بچندم، هیچ ندانستیم که چه میکنم

ردار کشوری ما هم چنان بی بهره ز دانش بوده و هستند که دست که انداخته و همیشه چند هم که بداند، و برآر همه سالها بدبختی گذشته هیچ ایام بدبختیهای خودشان بی نبرده و به برای دهائی کشور و مردم از ستم و بیداد جنبشی کردند، و نه در راهی کار کردند که پایگاه دانش در کشور شان استوار گردد و مردم از آتش آن خورشید جهان ناب بهره برد گویا مردم ایران خودشان را دارایی این آب و خاک ندانسته و دانششان همین اندازه گنجایش داشته بود که ایست هر رنگ و نیرنگ است مار بیداد را با هر بردباری که میتواند بر خودشان هموار دارند، و هیچ برای برداشتن قورخت ستم کاری نکنند. در همان هنگامیکه آن بیچارگان گرفتار آنچه بدبخت بودند دسته ستمکاران هم هر چه از دستشان بر میآمد کوتاهی نکرده و چنان بر این مشت مردمان بدبخت فشار آورده که آئین شان هم از کف رفت و کسی چنانکه باید و شاید در پیروی آئین خود کوشش نمود -

از سوی دیگر دسته مؤبدان که بایستی پیشوایان مردم برای پیروزی و برومندی باشند هیچ در پی انجام کارهای خود بر نیامده مردم را در جنگال ستمکاران گذارده خودشان گوشه نشینی گزیده و رشتن خود

و اما مردم ریدند این هم سرراز آن بد بختیایی  
 فراوان گردیده مردم را از راه رهائی دور انداخته  
 از این رو هر دسته از ایرانیان را که مبنگری می یفت  
 گرفتار بیداشی وی پروائی بوده هر کس در پی کشیدن  
 مار ستم میباشد و هیچکس در کار رهائی کشور خود  
 از آن همه و براییهای بی پایان که از هر سو عودار و  
 آشکار است نمیباشد. و گرنه چگونه توان بود که در  
 آن همه سالیان دراز يك از آن بد بختیها از میان  
 برداشته شده و فروتنتر شده است ؟

مگر ه همین ایران بود که هنگامی دیگر کشور را  
 باج گذارش بوده فرمانفرمانی آنرا بر خود شار با  
 همه فرنی می پذیرفتند ؟

مگر ه همین ایران بود که پادشاهانش شاهنشاهان  
 جهان بوده دیگر خدیوان به بندگیشان خود را  
 میستوند ؟

مگر ه همین ایران بود که گهواره دانش و پیشی  
 بوده دانایان جهان از هر سوی برای فرا گرفتن دانش  
 بدان کشور روی میآوردند؟ کنون چه رفته که کشور  
 ایران ویران - مردم ایران بریشان - دانایان ایران همه  
 بی نام و نشان و هر یاره از آن کشور بکف یک  
 همسایه افتاده و هنوز هم در پی بردنش هستند ؟

چنانکه گفتم همان بیداد و ستم کشور طارا خراب  
 کرده مارا باین روزگار سیاه نشانیده است. و از سوی  
 دیگر همه بیروان این آئین با یکدیگر یگانگی و برادری  
 داشته هزاران دسته برای خود درست کرده اند. یکی  
 خود را ( بابی ) مینامد. دیگری خویش را ( شیخی )  
 مینماید. سومی خودش را ( بالاسری ) میگوید. و  
 هر سو که بنگری می یفت یکی میگوید ( بهائی ) - سیم  
 دیگری فرماید ( منزلی ) یکی دیگر ( علی الهی )  
 دیگری ( سونی ) دیگری ( دهری ) دیگری ( قدری )  
 و همچنان مانداری دستهای جداگانه در این آئین  
 ساخته اند که همه از ره یگانگی و برادری و برابری  
 دور افتادند و این يك دیگری را چنان میازارد که  
 هیچ بیگانه با بیگانه دیگر مجبور رفتاری روا نمیدارد -  
 گوینده چه خوش گوید :-

( بسکه بر او بسته شده رگ و ساز )

( سکر نو چانی نشانیست باز )

از همین شومی و بد بختی است که آنچه ویرانی  
 دو کشور ایران فراهم آمده میباشد خود را برای  
 رهائی کشور خود از دست دیگران رنج و آزاری  
 نهدند و تا میگویند که ایران از دست رفت و بیگانه  
 بر جای بیگانه نشست. نخستین گرفتار همخان ما ( من  
 چه ) و ( مراچکار ) است -

رای برداشتن این شومیهای بی پایان چه چاره  
 توان جست ؟

در آئین يك ما دو پاسای خوب هست :-  
 وا داشتن به نیکو کاری ( امر معروف ) و باز  
 داشتن از بد کرداری ( نهی از نکر )

اگر پیشوایان ما اندکی رای خشنود بی خدا و  
 پیغمبر این دو پاسای جان پرور را در کشور ما بکار  
 آورند و در این کار اندک رنج و آزار بر خود  
 هموار کنند هیچ دور نیست که به زودی کشور  
 ما رشك گلستان گردد -

راه آن هم اینست. که نخست دلگیریهای خودشان  
 را بکنار گذارند و برادروار در انجام کار بر آیند و  
 گره بدبختی را با سر انگشت دانائی و ینش بکشایند  
 و نگذارند این مردم ستم دیده بیشتر از پیشتر در جنگال  
 شمشکاران گرفتار مانند و هر چه زود تر که توانند  
 کنکاشی که برای بکار آوردن پاسای ( مهدی ) سود  
 مند باشد بر پا دارد کارهای کشوری و لشکری را  
 بر پایه درست گذارند و ریشه ستم را از بیخ وین برآرند  
 و اگر خدای نخواست بخوانند مانند گذشته در تن  
 آسائی و خوش گذرانی مادمه همان گوشه گیری را پیش  
 نگیرند. همه میدانند که در یا زود کشور ایران از دست  
 ما رفته و بچنگ دیگران خواهد افتاد و همینکه ایران  
 رفت دیگر آئین ( اسلام ) بجای نخواهد ماند و گناه  
 این بدبختی بزرگ بر گردن همانا خواهد بود که از  
 رهائی ایران و ایرانیان چشم پوشیده خود را آسوده  
 و آرام نگاه داشتند -

يك يك ایرانیان هم باید بدانند که اگر در این  
 هنگام از خواه جنکیهای بی جای خود دست برداشته  
 و راه یگانگی و برادری و برابری در نیابند روزی  
 خواهد آمد که خاکشان بر سر و برادرانشان همه  
 آواره و در بدر و زادهشان در کف سر بازان دیگران



خواهند اتاد -

پس ای مخالفت کرامی من، اگر درد آئین دارید - اگر از مردانگی بون رده اید - اگر از زنان کمتر نیستید - و اگر با مرد نیستید - اندکی چشم خودتان باز کرده به بینید دیگران در کجایتند و شما در کجا، و پس از آن برای نگهداری دین و کشور خودتان بی هیچ دلسردی بکار بردازید و خودتان را از بند ستم آزاد سازید، و گرنه بخدای بگناه سوگند که بزودی کشورتان و بران و خودتان همه بریشان خواهید گشت -

برادران من - تا یکی چشمهایتان را روپهم گذارده و هیچ از پیش آمد کارهای خودتان اندیشه نمیکنید و اندازه جوی در آینده کشورتان خورده میشوید، مگر آنچه بی آسانی و آسوده ماندن و کار ما را پس پشت افکندن بس نیست؟ برادران کشوری من - کاروان دیگران از همه راهها گذشت و ما جایگه خود رسیده، شما را چه شده که طاعت پیش سر بیابان این آسانی گذاشته بخواب باز رفته اید، گویا اگر جهان را آب پرود شما را کیک نکند - ای فرزندان ایران بدیگر مردم جهان بنگرید و اندازه بزرگواری و برومندی آنها را بسنجید، با آن همه یستی و بیستی و یغردی که شما را فرا گرفته و کشورتان را ویران کرده است بخدای جهان که هیچ هنگامی مهر از کنون برای شما نیست و اگر این را از کف دهید بگروه هم خوردتان هم کشورتان ارددست خواهد رفت -

(عبدالق)

صورت لایحه که علماء عظام

از جانب ملت خراسان بشاهزاده رکن الدوله

{ ایالت کبری فرستاده اند }

اینهاست پارسا حضرت والا در همراهی بمقاصد ملت خراسان در خاطر عموم اهلی نواید حسن ظنی مخصوص بظرت سلیمه والا نموده بود که متأسفانه اقدامات غیر منتظره (۲۳) شعبان تا اندازه آنچه حسن ظن عمومی را بیک غرت و آنجا طبعی مبدل ساخت، در صورتیکه حضرت والا را حکمران ملت خواه و کاشته مجلس ملی شناخته بودیم بدون هیچ انتظاری اقداماتی از کارگذاران والا برضد مقاصد ملت

مشاهده شد که هرگز فراموش نمیتوانم کرده، حالای بی تسبب است که ما آن اندازه از غرت قلوب اهالی اکتفا نموده این روزها عاتقاً بدون ملاحظه شایع و خبیثه خوربرزی - وار و سرباز خبر کرده بانه قوای قهر به اعلان حرب با این ملت مظلوم بدهید، حضرت و لا اید بداید حال سکوت و آرامی ملت خراسان و مسالت و صلح حوث رؤساء و علماء و عقلاء بن ملکوت نا کنون فقط ملاحظه اهمیت موقع سرحدی بوده است - که مبدا بواسطه زلزله و اختلال امنیت سانه بدست خارج - وقت، گویا اشتهاً این همه آرامی و معنویت مات را حمل بر بی حسی و بی غیرتی نموده توقع دارید که یک تضر حالی تا یک قوه مسکریه موهومی تمام عرض و ناموس و مذهب دین و دنیا بی خود را بشخص والا تسلیم مائیم، المرض ما ما هیچ گونه حسن و غیرت ملی بدشته مائیم لاء اسم مسلمان و شمع را از ما، نکلی سبب نتواند کرده صریحاً باید بدید که بر حسب حکام و حسب الاطاعه و اوامر معتزس الاملاء حصرات حجج اسلام و بحکم درایس دینی و مدعی خودمان عداوتها بکنفر سرند . . . . . را سلطان اسلام بدیم، حکم مساعد و معاند ما را بتوب بست، و در آن ما را تا تمام احکام معدسه آسمانی در آتش نهر و ملت سوز بدید، و کلیه ناموس دین ما را بدست صاحب منصب روسی - پر، و عجم، هزار عوس اسلامی را هدف کله بی رحمی ساخت، و علماء ما را دست بسته با هزاران توهین کشان کشان اسارت برد،

حصرت والا اگر ما ملت خراسانرا حلی بی غیرت بدید و حلی بی حسن بدید و حلی بی دین بشاید لا قیل این راه شعور را باید در ما تصدیق کرده باشد که لاء هیچیم که بکدام دلیل و بجه قانون دارائی خود را نام طالبات بحیب یکمشت لامذعبان شیطان طاریت بریزیم، که با پول خودمان اسباب قلع ریشه سلام و قیل عوس و حثک امراض برادران اسلامی ما را فر هم سارید، البته ما را هر قدر بی شعور تصور نمایند باز این بوضع را نباید از ما داشته باشید که هم پول خود را با کمال بی شرفی از دست داده و هم احکام مقدسه علماء را با نهایت بی شرمی و بیجانی پشت بازده کل ملل اجنبی را بر قوه روحانیه دین اسلام

جری وجسو رسازیم، یقین بداید عتقرب بیاید روزی  
 که ریشه خبیثه استبداد از مملکت ایران کنده شود،  
 حضرت والا به برهینید از اینکه بواسطه بعضی اقدامات  
 بی رحانه خود را در جزء آن مظاهر شمر و یزید شامل  
 نماید، که هیچ گونه قوه دفعیه در مقابل کینه و انتقام  
 قدرت ملیه نخواهند داشت، بر ما برید تقویم و عزیزی را  
 مطالعه کرده بداید که عتدرب دولتی در سلسله قاجاریه  
 باقی نخواهد ماند که شا دولت خواهی نماید، در این  
 موقع که بیایه صبر و تحمل این ملت از خون دل لبریز  
 گردیده شایسته نیست که بخلاف دلجوئی و رعایای ملت  
 اقدامی نموده تیشه بر ریشه حیات خود بزید .....  
 امضاء ( هیئت منجده علماء و طلاب و تجار و  
 اصناف خراسان )

جواب علماء عظام و طلاب و لامقام و عموم  
 ( طبقات ملت خراسان بشاهده رکن الدوله )  
 ( و سالار و سایر دولت خواهان )

اولاً میگویند اهالی خراسان بواسطه غناق و عدم  
 اتفاق نمیتواند معاصد مشروعه خود را انجام دهند،  
 جواب این اشتباه اینست ما ملت خراسان اهالی  
 سایر بلاد ایران را رادر دینی و مذهبی و هموطن  
 خود دانسته راضی هستیم که تیر دلهوز در چشم ما  
 فرو رود و برای ازین آنها خاری به نشیند، و این  
 اتفاق و اتحاد ملی را بزرگان دین ما با منهای تأکید  
 با سفارش فرموده اند، و برخلاف آمال و آرزوی  
 مستبدین بی دین که میخواهند میان برادران اسلامی ما  
 ضاق اندود یقین داریم هموطنان محترم ما هموماً و  
 برادران آذربایجانی و قفقازی ما خصوصاً کنگه جامعه  
 اتحاد ملی را فراموش نکرده ما آخرین قطعه مقصود  
 که حفظ بیضه اسلام و هویت اساسی معده مشروطیت  
 است کار همی و مساعدت را بها خواهند فرمود  
 ثانیاً میگویند اهالی خراسان بواسطه تعطیل و  
 کسب و تجارت دور نیست بستوه آمده قبل از گرفتن  
 نتیجه تعطیل مارر و دکان را باز کرده عقب کسب  
 خود رود .

جواب اینست که شا خیلی اشتباه بزرگ  
 کرده اید، ما ملت خراسان تا این اندازه بی حس و  
 بی غیرت نیستیم که تمام حقوق دین و مذهب و دنیا  
 و آخرت خود را فدای مداخل جزئی کرده بوسف

عزیز احکام الله را بدرام نجس معصود بفروشم، برادران  
 آذربایجانی ما شش ماه متجاوز از تمام کسب و کار و  
 درهم و دینار دست کشیده جان و مال و عرض و  
 ناموس خود را برای حفظ بیضه اسلام و نگه داری  
 اساس قویم مشروطیت نثار کرده در تمام این مدت  
 طولانی بدون اظهار حسنه کی مقاومت و بای داری  
 نموده اند تا چون الله تعالی و یاری حضرت صاحب العصر  
 و الزمان ارواحنا فداء دماغ خاشتن دین و دنیا را بر  
 خاک مذلت مالیده اجرای احکام مقدسه حجج اسلام  
 نائل و موفق گردیدند ما ملت خراسان نیز دو نکه  
 داری اساس اسلام و حفظ ناموس دین و احکام علماء  
 خود با تمام قوا حاضر شده یاری خدا و توجهات  
 حضرت نامن الائمة (ص) حقوق مایه خود را نگه داری  
 خواهیم کرد، و یقین است که امروزه اگر از مداخل  
 جزئی چشم پوشیم و با کمال جسد بر مرکب مقصود  
 سوار نشویم فردا باید ما کال بی شرفی هزاران برابر  
 این مداخل را باسم طالبات بکینه ظلمه و اعوان شمر  
 و یزید بریزیم که ما بول ما ما اسباب قلع و قمع ریشه  
 اسلام را فراهم نمایند

الثانیاً میگویند ما سوار داریم سرماز داریم و قورخانه  
 داریم، که از اقدامات مشروعه ملت جلوگیری نکنیم،  
 جواب این اشتباه این است و تصور غلط و  
 خبط فاحش فرموده اید سوار از خود ملت است و  
 سرباز از خود ملت است نوبخانه و قورخانه مال ملت  
 است، تمام اهل نظام برادران اسلامی خود ما هستند،  
 و آن برادران غیور که تمام رگ و پوست شان از  
 بول ملت نشو و نما یافته در این مقصود مقدس که اسباب  
 آسایش دین و دنیای آنان است با تمام قوا با سایر  
 طبقات این ملت مظلوم همی خواهند کرد - برادران  
 نظامی ما که دارای مذهب تشیع و مذهب حجج اسلام  
 میباشد میدهند که اگر خدای نکرده اظهار خفا - نمایند  
 مرتد شده چون آنها با تمام دارن آنها ملت حلال  
 خواهد بود، برادران نظامی ما آکلون بن دستخط  
 تککراتی را خوانده و تکلیف مذهبی خود را فرمیده اند،  
 بسموم هشتر و ایلات و سرحد داران

( و خوانین و رؤسای نظامی دام مجدم )  
 اهتمامات این خدام شریعت، طهره و تشبیه اساسی

مشروطیت برای حفظ مذهب جفری اثنا عشری و جلوگیری از دشمنان دین اسلام است. و تمام دلگرمی را بهیئت دینی آن بادران گرامی داشته داریم. و صریحاً هر چه اعلام بیداریم که مساعدت در تشدید اساس مشروطیت بمنزله جهاد در رکاب امام زمان علیه السلام و همراهی با مخالفین مشروطیت و اطاعت حکمشان در حکم اطاعت نزدیکین معاربه و منافی با مسلمانان است.

الاحقر بحل المرحوم میرزا خلیل - الخانی عهد کاظم الخراسانی - الاحقر عبده الله المارندران -

قابل دقت و ملاحظه توبت عظمی

( و احزاء محترم آستانه مبارکه رضوی و )

( حجة الاسلام حاجی میرزا حبیب الله )

( مجتهد و حاجی میرزا ... )

دوات خواهان چون دیدند که قوای ملی بمحمدت ولته روز روز کاملتر و هیجان حس مات برای حفظ بیضه اسلام و استرداد حقوق ملیه و تقویت بنیان قوم مشروطیت ساعت بساعت زیادتر میشود ملت فیور خراسان در رعایت احکام و احب الاطاعة صحیح اسلام و نگهداری ناموس دین مبین که موقوف باجرائیه قوانین مشروطیت است تا تمام قوا جرداً استنادی میکنند و دست از طلب ندادند تا کامش بر آید. و بالعکس طرف داران کفر و ظلم و استبداد دم بدم آناً قاناً رو باضعفلال و نابودی بیرونی، بطوری که عنقریب هیچ گونه قوه برای معالجه نماند. یا اظهار حیانت باقی نخواهند داشت. سواران و سربازان نیز غالباً از اشتباه در آمده يك يك بتدریج در محضر مبارک علماء عظام قسم خوردند که بر حسب تکلیف مذهبی و فریضه مسلمانان خود سکمال همراهی را با اقدامات خدا پسنده ملت خراسان بنمایند. و امروزه قسمت بزرگی از برادران فیور نظامی ما با تمام قوا حاضر و مصمم شده اند که در زیر لوای اتحاد ملی ایک اهتمام جان سیارانه خود را در زمره مجاهدین فی سبیل الله شامل و مقاصد ملت مشروطه خواه خراسان را با کمال هنرم و ثبات قدم همراه و مددگار باشند

لذا قوه بیضه کفر و ظلم و استبداد از هر طرف ناموس و خود را در جنب قوای ملیه رحمانیه

مفلوب دیده با نهایت تزلزل و اضطراب که ناشی از کال بآس و نومیدی عاست طریح دیگر ریخته و قشقه تازه کشیده است که شاید بتواند اسباب تفرقه و فتنای و دورنگی در میان ملت فراهم نماید. این است که دبش در حضور جمعی از احزاء مبارکه محترم آستانه وعده از رؤساء شان معلوم الحلال مذاکره نموده که با اقدامات جمعی از دشمنان دین و دنیا برای کار شکنی و حلوگبری و اتهامات این ملت مشروط طلب چادری برپا کنند. ( گر بر سر نکند بهتر است ) ولی این مدل نیز خام و نقش بر آب است. احزاء و منتدیان آستانه مبارکه مقام اصالت و محبت و وفات شان منزله و معر است. از اینکه خطای نکرده اودامی در احداث فرق نمایند که در درگاه احدیت مسئول و در پیشگاه حضرت ناموس لایق مضروب و در نزد محوم مات طفور واقع شوند. توبت عظمی و نائب التوبه هر دو از خاندان اصیل و متدین و ملت خواه و رؤسای محترم کشیک و خدام و دربان نیز تاکنون در تأیید اساس مقدس مشروطیت همه قسم اظهار مساعدت فرموده اند. حضرات مجتهدین خراسان نیز همواره در بذل اهتمامات طالبه در تقویت مشروطیت اظهار عنایت نموده اند. که از نظر بن ملت قدردان فراموش نماند. و همبر حصر آقاخان محترم که ذکر شد تابع و خلیفه فائق را کاملاً میدانند و هیچ وجه عمتضای بسایت و دیانتی که دارد راضی نم اند شد که بواسطه الغاء تفرقه اسباب قتل نموس. و هنگ امراض و تزلزل امنیت مسلمانان و تسلیط کفار. ا برقیه الاسلام فراهم نمایند. و فراموش فرموده اند حوادث الخیره آذربایجان را که جمعی از مستبدین بی دین و در حاجی میرزا حسن مجتهد را گرفته آیره حق را بر افروخته که نتیجه آن رای مسلمانان صدمه بزرگ و برای مجتهد تبریزی و اطرافیان او افتضاحی در از مرگ واقع گردید. اینک مات مشروطه خواه خراسان از آن وقعات دهشت انگ عبرت گرفته و بحمد احساس خلاف مخالفین را اعمال باره اقدامات حاه را انداز نداده. بلکه از اینکه از گروه فسادهای ملت سوز از طرف دشمنان دین اسباب زحمت مسلمانان واقع گردد بر حسب حکم بزرگان دین اولین فریضه دینی و تکلیف مذهبی خود را در قیام و نفع ریشه مخالف

و ضبط تمام داراں او خواهند داشت

امضا ( انجمن مرکزی مجاهدین متحدین خراسان )  
و انجمن اتحاد خراسان )

در انتخاب وکلا خلی با هوش اندید

اکنون که بعون الله تعالی و توجهات حضرت صاحب الامر و لزمان ارواحنا فداء قدرت ملیه با تهیه استعداد کامل برای حفظ حقوق دینیه و دنیویه ما ملت خراسان حاضر و مصمم شده ، از تمام شهر های جزو و اطراف و نواحی خراسان برادران غیور ما در نگاهداری احکام واجب اطاعت صحیح اسلام و تقویت اساس مشروطیت ما مامم آواز شده دمیدم قوه و اعانه مالی و حای از اطراف میسرانند ، راه صاف ، اسباب فراهم ، معنوی موجود ، مانع مفقود ، حال دیگر غفالت نباید کرد ، حالا موقفی است که با کمال هوشیاری بدون فوت دقیقه وقت را غنیمت شمرده وکلا خودمان را تعیین و انتخاب بکنیم ، حالا باید جمیع هوش و دقت و حواس خودمان را در تشخیص وکلا بفرض متدین ملت خواه مصروف بداریم .

ای برادران غیرقلند البته میدانید که تمام بدبختی های اخیر ما فقط از سهل انگاری و بی احتیاطی و بیلاحظگی جوی از وکلا سابق ما ناشی شده است ، باید خلی هوشیارانیم که ایندفعه وکلا فقط اشخاصی باشند که با تمام حواس و با جمیع قوای خود در حفظ و نگهداری حقوق ملیه ما با کمال بیفرضی و نهایت دقت بکوشند ، باید وکلا ما در محضر علماء عظام قسم بخورند و متعهد بشوند که هیچوقت و هیچ عنوان حقوق چهار ارور ملت خراسان را برای تقمع و فائده شخصی خود ضایع و تلف ننمایند ، و هر یک از طبقات و اصناف نیز باید با کمال هوشیاری مراقب و مواظب حرکات و اعمال وکلا خود باشند اگر خدای کرده ای آثار خیانت و فرض شخصی از وکلا خود به بینند فوراً از مقام وکالت معزول و بعد از محاکمه محضرات عبرت انگیز رسانند ، ای اهالی غیور خراسان بشناید و با کمال عجله وکلا جامع الشرایط را انتخاب کرده فوراً انجمن ایالتی را منعقد نمایید ، بعد از آن بلافاصله مجاهدین ملی را با استعداد کافی که از صندوق اطاعت خیریه ملیه تهیه

شده و میشود به وکلا خود کاشته خودتان با کمال آسودگی عتب کسب و کار خود بروید ، ولی ضمناً با کمال هوشیاری با تمام حواس متوجه احکام و دستور العملهای وکلا محترم خود بشوید

ای ملت خراسان بدینید و آگاه باشید که وقت خلی تنگ است ، نا تنور گرم است فرصت را از دست ندهید ، در انتخاب وکلا و نمایندگان خود سعی کنید ، به پیاید انجمن ایالتی را با چه هوشیاری در تبریز و سایر بلاد آذربایجان تشکیل داده اند ، این روزها در اسفهان و ملقرب در کرمان و بندر بوشهر هم با کمال جد و جهد مشغول اقدامات بزرگ و مصمم به تشکیل انجمن و انتخاب وکلا خود خواهند گردید ، ای ملت غیور خراسان بشناید در جمع آوری وجوه اطاعت خیریه که امروز اگر در راه نگهداری حقوق مشروعه خود از این اطاعت های خیریه اندکی غفالت یا مسامحه کنید فردا دست ظلم و استبداد جلادین برابر آنرا به بجزیر و زور از شما گرفته با پول خودتان اسباب قلع و قمع رینه اسلام و سلب جمیع حقوق دنیا و آخرت شما را فراهم خواهند کرد ، آگاه باشید که پشیمان قائده نخواهد بخشید

( اقل خدام شریعت مطهره )

حاکم ملت خراسان

( با شاهزاده رکن الدوله در محکمه وجدان )

حضرت والا ملت خراسانرا تهدید میفرمائید که بازار و دکان را باز کرده متفرق شوید و الا . . . ما ملت خراسان نیز میتوانیم از حضرت والا پرسیم که آیا اطاعت فرمایش شما لازم است و اطاعت احکام خدا واجب نیست ؟ شما امر میکنید که هموم ملت بدخواه شما رفتار کنند و دارائی خود را به اسم مالیت شما بدهند ، ولی خدا و پیغمبران و ائمه و علما و تمام عنایای دنیا میفرمایند که حکومت مستبدانه ظالمانه دیناری مالیات دادر حرام و مثل تیشه بریشه خود زدن است ، شما حکم میکنید که باید متفرق شوید ، ولی بزرگان دین ما امر فرموده اند که برای حفظ حقوق ملی ، مذهبی با کمال جمعیت و اتحاد متفق بشوید .

شما بهات اطلاع میدمید که قبل از گرفتن نتیجه تمطیل مبعده روزه بحکم شاه متفرق شوید و بعد از اینها

حکارت دست از حقوق دین و دنیا بردارید ، ولی حجج اسلام و آیات الله علی الانام میفرمایند تساق و اتحاد در تقویت اساس مشروطیت و قلع و قمع ریشه خبیثه استبداد بر هر فرد فرد ملت ایران مانند نماز و روزه واجب و در حکم مجامعت در رکاب امام زمان عجل الله فرجه است .

شما میفرمایید به حکم من حکم مأمور و باینده: محمد علی میرزا منم اطاعت کنید ، ولی رؤسای روحانی مذهب تشیع میفرمایند اطاعت حکم محمد علی میرزا و کاشنگان او بجز اطاعت یزید بن معاویه و امایان منافق است . حالاً ملت خراسان خود حضرت والا را شخصاً حکم قرار داده از اصفان و وحدان خودگان می رسیم . که تکلیف ما با اعدای مسلمان که داریم چیست ، و در این میان بکدامین حکم باید اطاعت کنیم ؟

حضرت والا ملت خراسانرا تهدید میفرمایید به قتل و قارت و حبس و حرمه ، ما نیز با کمال معقولیت با یک صدای مظلومه که بگوش جمع اصفان پرستان دنیا رسد میگویم هر وقت حضرت والا آن قدرت و قوت را در خود ببیند که کل ملت مشروطه خواه خراسانرا قتل عام کند و معبد دینی مسلمانان را بکشد مطهر حضرت ثامن الائمه علیه السلام به توپ به شدید و قرآن مجید را با جمیع احکام مقدسه آسمان به آتش کفر بسوزانید ، ما ملت خراسان نیز با کمال شرف و افتخار حاضریم که عشق خود را تا آخرین قطره خون خویشتی در راه حفظ حقوق مقدسه خود و نگه داری بنیان قوم مشروطیت و رعایت احکام واجب لاطاعه بزرگان دین خود شار کنیم ، تا مگر برینجند سدن خویهای ما قابل خودمانند برادران طهران و آذربایجان در نزد روح مطهر صاحب مانت و شریعت اسلام سرخرو و در پیشگاه عدل و انصاف الهی داد خواه باشیم ، و هو احکم الحاکمین

( هیئت متحده ملت خراسان )

۱۵ دقعه الحرام سنه ۱۳۲۶

### اخبار تلگرافی خارجه

رئیس جمهوری ( کاسترو ) حین ملاقات با دوستان طرد اظهار داشته که او را اراده این نیست که

مداخلت نماید در طرز جدید سلطنت ما ، دولت خارجه کدورت حاصل شود ولو منجر به عزل وی هم شود تلگرافی از ( ولهمستند ) رسیده که کشتی موشک هوند ( کادراوند ) رحمت نمود ، از این رو ظاهر می شود که اقتضای ( ویزولا ) ختم شده ( ویزولا ) ما مولد مسکنت دوستانه خود را از بر جاری دست در پاریس ( مسیو فلاریس ) رئیس جمهوری بهیت پیشکار و خاصان خود مثنی می نمود که فعلاً یکی از ملازمین وی ( مینس ) نام گردش ر گرفته قصد لندن ریسی وی نمود که فوراً گردشش کردند . معلوم است که ( مینس ) طرفدار حامدان سلطنت است

بعد خبر رسید که ( مینس ) رئیس جمهوری را بزمن زد . در آن کشتی گوش معظم له مجروح و مصای او هم شکست . بعد از آن رئیس جمهوری پیاده منزل خود آمده غذا صرف نمود .

بر مضمون خط دولت روس در ( وباه ) سخت نکته گیری می شود . خط مذکور یکطرفه و بی ربط خیال شده و مخرب مقاصد کاترین هم شناخته میشود چه در آن نوشته که ( آستریا ) در تصفیة الحاق ( یوسینیا ) محق نیست

( مسیو اسوالسکی ) در مجلس ( دوما ) ضمن اطلاق خود اظهار داشت که هر مسئله ( بالکان ) دول در اسه و انگلیس و ایتالی ما دولت روس متفق الرایه اند ، ازین رو امید است که این مناقشه بوجه حسن فصال یابد . بعضی از روسیان که طالب آگاهی از کار روان های روسیه هستند باید بدو آید ثابت کنند که رسنه ( ۷۸ ، ۱۸۷۷ ) بین دولتی ( روس و آستریا ) عهد نامه بسته شده است که در آن خصوص جرآید ( آستریا ) مجاره می بایند دولت روس اگر تنها بود البته به شکل راییه او ظاهر می شد ، اگر دولت روس تنها بود در آن صورت هم حق داشت که بعضی لغزگان عهد نامه ( روس ) را راییه اغراض خود و دولت عثمانی و یهودی حکمتهای ( بالکان ) متفق نماید . دولت روس در حصول دعای ( بنفر ) ضرر محدودی می باید ولی محدودی وی با سلطنت جریده عثمانی و ( بالکان ) مساوی است

✿ خبر (روز) از (عدف) خبر میدهد که بموجب خبری که رسیده (ملای سوطی) بر قبایل متحده با دولت انگلیس حمله آورده و بسیار از شرین آنها را بفرات برده بعد از آن قبایل مذکوره جمع شده بر (ملا) حمله سخت نموده و شترهای خود را پس گرفته اند

✿ تلگرافی از (کاراکس) رسیده که طاقت رأی (گومیس) نائب رئیس جمهوری (ویزولا) برقرار ماند و بدون خونریزی رفع اختلافات شد

✿ (نوبورگیا) را خیال اینست مسلکی را حمله (آستریا) پیش گرفته برای دفع الوقت است چه موسم زمستان رسیده و جنگ بالای جبال شامخ خلیل صعب است - روز ناهجات روس بر اطلق (میواسوالسکی) حمله نکرده چینی می کنند و میگویند از نطق وی دون همی و مرعوبیت دولت روس ثابت می شود

✿ در (پتسبرگ) بسیاری از اصلاح خواهان را تازی گرفته

✿ رئیس الوردی دولت عثمانی به (مسیو بالا ویسینی) خبر داده که تجویزات دولت (آستریا) در خصوص فیصله بوسینیا فصول است باید چهار میلیون لیرا تقد حصاره عثمانی را بدهد

✿ امیان دولت (آستریا) را خیال اینست که نطق (مسیو اسوالسکی) بسیار مناسب و صالح جوابه است و امید صلح ازو ظاهر می شود - روز ناهجات (بلغار) سرور و جراث (سرویا) هم اظهار اطمینان نموده ولی خوش نیستند

✿ ملاحظه نطق اعلیحضرت سلطان در پارلمان که مورد شکایت (بلغار) و رنجیدی وی شده دولت (آستریا) سار دول را متوجه نموده که ازین رو بین نابالی و (بلغار) اثر غیر معمولی بنظر می آید و خواهش نموده که (بلغار) را در اسلابول موقع بحث بر مسئله مذکور داده شود

✿ در (کالاریا - ویسلی) زلزله شدیدی شده و همارات و کلیسای بسیار منق و منهدم گشته - نفوس و امول زیاد تلف شده - زلزله مذکور امتدادش از ۲۰ الی ۳۰ تانیه بوده غنایات تاگرافی موقوف و رسیدن اخبار معلول - خبرهایی مدعش از (سیسلی) میرسد - در (سکالاریا)

نقصان زیاد رسیده - در هر يك ازین شهرها مردم بسیار هلاکت رسیده چنانچه در (مسیلیه) نقصان زیاد شده - در (کاتانیه) جہازات زیاد غرق شده

✿ تلگرافی از (ویانه) رسیده رسماً خبر میدهد که بر قشون ساحلوی (بوسینیا) در مقام (زیلچي) اعالی (سرویا) از آنطرف (دراو) شلیک کرده آنها هم جواب داده دو نفر از (سرویا) مقتول شده است

✿ در (اسکاتلند - آیرلند - و شمالی انگلند) برف زیاد باریده راه آهن و عبور جہازات مسدود - دریایچه (توب) بکلی منجمد شده است

✿ (۵۰) نفر از باشندگان (هوتن تونس) در حدود (کیپ کالونی) بسرحد آلمان حمله برده - ۷ نفر از انگلیسسان را مقتول و ۷ نفر سرباز و غیره سرباز نیز کشته شده اند

✿ نوام با رزله سیسلی طغیان آب هم شده دریا قدر (ده زرح) بند و ساحل (مسیلیه و ریکتودی) و (کالاریا) تمام غرق شده هزاران نفوس تلف و بیمهای تلگراف و تلفون تمام شکسته دسته جہازات (نیلس) بسمت (مسیلیه) رهسپار است و کتان جہاز جنگی (پاسلیو) هلاک شد، خبری از (مسیلیه) رسیده که این رزله بسیار شدید بوده است

✿ دولت (آستریا) در جواب خط مورخه (۲۴) دسمبر روس نوشته که ممکن نیست در مسئله الحاق (بوسینیا) و (هر زیگورینیا) و واگذاردن (نوی بازار) عثمانی دو کافرانس بین الدولی مباحثه شود - عقیده دولت (آستریا) اینست که باید اینسائل را با دولت عثمانی تصفه نماید و آنچه تصدیه شود در فصل ۲۵ عهدنامه (برن) ترمیم گردد - دولت (آستریا) باد آوری می نماید که بین دولتین روس و آستریا معاهده هم شده از آنرو هم در مسئله الحاق مقامات مذکوره دولت روس نمی تواند سؤال و جواب کند - بر مسئله حصاره (سرویا و ماتی نگر) البته باید مباحثه شود -

✿ (مسیلیه) بکلی برباد شده - پاپ (روم) مجرد شنیدن این خبر بنای نماز و دعا را گذارد پادشاه ایتالی و ملکه محمل وقوع زلزله رهسپار شدند بسیاری از سیاحتان انگلیسی و آلمانی در برفوقه هلاک شده اند حده اموات قرب ۷۵۰۰۰ میباشد - پادشاه (ایتالیا) ۵۰۰۰ لیرا

در طاعه مصیبت زده گان داده - در لندون و امریکا هم دفتر اطباء باز نموده اند -

§ خبری تازه رسیده که در (سپلی) تنها ۷۰۰۰۰ و در (کالابریا) ۳۰۰۰۰۰ نفر هلاک شده اند - بعد از زلزله حربه عظیم هم واقع شده تصانی زیاد رساید § در براعظم (برطانیسا) مرکز برنباری مثل امسال نشده بود - ۱۹ قطار راه آهن را برف احاطه نموده - مسافری در آن اکثر مفوج شده - بین غالب شهرهای (اسکاتلند) مثل اردین - مونتروس و غیره عبور و مرور مسدود است

§ (مسیبیه) بکلی ویران شده - بعد از زلزله اشرار شروع به تهب و قارت نمودند و مابقی اهالی دارند از فاقه هلاکت میرسند - زلزله (ریکیو) بسیار شدید بوده - مرکز شهر ساحل دریا فرو رفته و از طغیانی دریا شهر غرق شده سوای چند خانه که در بلندی واقع شده بود

§ سیم تلگراف تحت الارض جزیره (روم و آیینین) نیز شکست از این رو معلوم می شود که آنجا هم زلزله شده است

§ وقایع نگار (طمس) از (نیویارک) می نویسد جهت پوشیده از (تنگناورن) برای عقد اتحاد بین دولتین چین و امریکا رفته تا کام شده یعنی دولت امریکا راضی نشده است

§ پادشاه و ملکه (ایتالیا) در (مسیبیه) دارند دلجوئی و امداد به مصیبت زده گان می بایند § اکنون درست اندازه شده که فقط (۱۰۰۰۰۰) نفر در (مسیبیه) نجات یافته و (۴۰۰۰) در (ریکیودی و کالابریا)

§ ۱۴ داکتر از (مالتا) بسمت (مسیبیه) رهسپار شده اند

§ آله منیاس زلزله (برنه) و مغربی (آسترلیا) ظاهر میدارد که از ابتدا الی انتهای زلزله ۴۷ دفعه بوده § بموجب خبر تازه اتلاف خوس در (مسیبیه) زائد از (۷۰۰۰۰۰) است

§ حدود در بر اعظم (برطانیا) برف زیاد باریده است § دولتین (برطانیا و روس) بر تخریب دولت (آستریا) راضی شده اند که پیش از انعقاد کانفرنس

بین الدول بر مجوزات استریا مباحثه شود

§ مجدداً در (مسیبیه) شب چهارم شب زلزله محسوس شده - در (مسیبیه) قانون نظامی جاری و ۲۰ نفر مجرمین را ضرب گلوله اعدام نموده اند § اعضای مجلس شورای ملی دولت علیّه عثمانیه در قصر (بلدز) در صرف شام اعلیحضرت سلطان شرکت نموده - هر يك فرداً فرداً حضور سلطان معرفی شدند اعلیحضرت سلطان بر سر میز طعام حلوس فرموده در یک جانب رئیس الوزرا و جانب دیگر احمد رضا پاشا نشسته - اعلیحضرت سلطان والا جاه ضمن نطق خود اعضای شورای ملی را دستورالعملی داده در انجام امور با اتفاق یکدیگر تأکید فرموده و خودشان را حافظ حقوق مشروطه گفتند احمد رضا پاشا اظهار داشت که اعلیحضرت اول سلطانی هستند که معاضدت با خصائص خلفاء را شدین نموده که نواب رعایا را شخصاً ملاقات می نمودند

§ کبسون عالی (دوما) روس برخلاف استقراض ۲ میلیون روبلی است که برای تعمیر چهار هوازن جنگی مقرر شده رأی کبسون این است که اداره بحری منظم بیست

§ مافیت کبسون استقراض ۴ میلیون روبله را نامنظور نه نمود

§ در وجه اطباء مصیبت زده گان (مسیبیه) اعلیحضرت سلطان (۹۰۰۰) لیرا و (پوپ) (۴۰۰۰) لیرا اعطا فرمودند

§ مخبر (روتر) از لندن خبر میدهد که ملای سوماتلی مجدداً رقبائل فرمانبردار حقه نموده حالات آسجا بسیار خوفناک است

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که حکمی صادر شده که (یان شی کی) به سبب وجع مفاصل معزول است - و (نانگ) رئیس مشیران سلطنت باید مقرر شود - گویا بجای (یان شی کی) او مقرر شده و منظوف است که این تبایلی بسبب سارش (مانشو) میباشد - سفیر ژاپون قبل از صدور حکم خبر داشت ولی سفراکے سایر دول بعد از اشاعه حکم مطلع شدند

§ در (اسکیشینه) وزیر خارجه (سرویا) در

نصف عمده انگلیسان از حرکت زلزله منهدم شده باب عالی هم جهازی در (میسینه) میفرستد که بطریق شناخته باشد

§ در (میسینه) روز یکشنبه صبح مجدد زلزله با حرکت شدیدی محسوس و بعد چهار مرتبه آهسته آهسته شد. جهاز جنگی انگلیسی (اکسونه) در طوفان عظیمی دچار و زنجیر لنگر آن شکست نگامداری آن تا قسمه دو میل ممکن نشد

§ وزارت (سرویا) استغفا نمود. و پادشاه تا اقتصاد (اسکی پیشیه) که ۱۶ جنوری منعقد خواهد شد جواب را مطلل گذارده است

§ پادشاه و ملکه انگلستان در هفته دوم ماه فروری با شوکت و جلال در (برلن) رمسپار خواهند شد  
 § خبری از (آموی) رسیده که در قریب (مکدن) اقتشاش پیدا شده (۱۰۰۰) قشون جینی شرکت در آن داشته اند خبر هیبتی از قشون پادشاهی داده شده که مدوآ غالب و آخر مغلوب شده اند خبر (روز) را خبر رسیده که عقیده دولت اینست که مغزولی (یان شی کاسیه) مورت خطرات شده (سرجارچ گاردز) از اداره خارجه بخاره می نماید درباره منزل (یان شی کای) و شکایت به دولت چین میکند

§ در اسلامبول از مدینه خبر رسیده که شیخ باقی اصراب با طاعت سر فرود آورد

§ در اسلامبول مجلس با شکوهی منعقد شده و بحث از الحاق (کریت) به (یونان) شده از لفظهای ناطقین مترشح بود که از اشیاء وارده تجارتی (گریس) هم باید صرف نمود. در دمشق هم انجمن مجلس منعقد و قرب ۲۰۰۰۰ نفر شرکت داشته اند

§ (مسیو میلا نوویچ) وزیر خارجه (سرویا) در جواب شکایت (آستریا) نوشته که راپورت نطق وی صحت ندارد و تا وقتیکه خبر صحیح از نطق وی بدولت آستریا داده نشده لازم نیست تصفیه بر آن شود. و اظهار داشته که نطق من این بود که (بوسینیا و هرزیگووینیا) را (آستریا) متصرف شده نه اینکه (بغلامی داخل نموده) اکنون در (ویانه) هم در این باره گفتگو زیاد می شود

§ خبر (روز) از (جده) خبر میدهد که حج

خصوص مسئله (بوسینیا و هرزیگووینیا) اظهار داشت که این عهد نامه برخلاف عهد نامه (برلن) و مورت قور بسیاری در اغراض (سرویا) میباشد. (بوسینیا و هرزیگووینیا) تحت الحکم سایر دول اروپا باید آزاد باشد. و آنها هرگز مانع جنگ نیستند و منتظر تصفیه دول اروپا میباشند

§ (لیلیک تنگ بک) موقتا بجای (یان شی کای) مقرر شده است

§ در (ویانه) عقیده اهالی اینست که نطق وزیر خارجه (سرویا) مورت از دیدار مذاکرات خواهد شد  
 § سفرای ژاپون - انگلستان - آلمان - و امریکا مقیم (بیکن) درباره منزل (یان شی کای) مباحثه نموده - رای سفرای دولت انگلیس و امریکا این بود که نزد (اوسیواو) شکایت نامه درین باره نوشته فرستاده شود و مسوده آن به آنها پیش گردد - عقیده سفرای انگلیس - آلمان - امریکا این است که مغزولی (یان شی کای) متک حرمت دول اروپاست - ولی رأی قبیله سفرای این بود که موقع مداخلت رسیده - رأی سفیر ژاپون این بود که شکایت مورت پیش آمدن سی مشکلات خواهد شد - هر حال اتفاق رایجی صورت نگرفت

§ کرده و امعایی (مسیو کاترو) نشر شد - اگرچه حوقا ک بود ولی تا کامیابی گذشت

§ (لارد کرزور) وارد (کیب تاؤن) شد

§ روزنامه (زیستگ) می نویسد که نماینده دولت (آستریا) منیم (ملگرید) درباره نطق وزیر خارجه (سرویا) که ۲ خوری در (اسکی شیه) نموده از دولت (سرویا) مطالبه معذرت می نماید. (این نطق راسخ به مسئله الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) بود و ره رشته اتفاق هر دو دولت گسیخته خواهد شد  
 § نطق (مسیو میلانویچ) در (اسکی شیه) حالت را ابقر نموده. در (ویانه) نکته جینی زیاد در این باره می شود. روزنامهجات رسمی آنجا می نویسند که صبر و تحمل (آستریا) بانها رسیده. خاصه از این باب که (مسیو میلا نوویچ) گفته بود که بوسینیا و هرزیگووینیا را بغلامی خود داخل نموده

§ یکی از کشتیان مقیم (میسینه) اطلاع داده که



ختم شده و سجاج در کمال صحت میباشند  
 § بطریق رسمی خبر رسیده که ( ۲۳۰۰ ) نفر از  
 بلای زلزله ( میسیلیه ) نجات یافته

§ در ماده حران ( میسیلیه ) بسیاری از عاها و فضلا  
 و اعضای مجلس ملی اجتماع نموده به اتفاق آرا امضا  
 نموده اند که بلافاصله آثار تاریخی و قومی این شهر را  
 باز باید آباد کرد

§ اکثری از روزنامه نگاران و یانه الزام به بریتانیا  
 میدهند نوفری پریس مینویسد که از ترغیب مخصوص  
 بریتانیا سرویه و ترک مخالف با استرا شدند همان روزنامه  
 می نویسد که دولت بریتانیا همراهی هیچیک را با آلمان  
 نمی خواهد

§ محبر ( روز ) از پیکن تلگرافاً خبر میدهد که  
 سفرای انگلیس امریکا و جاپان نائب السلطنه را اخطار  
 داده اند که این قسم کارها نکنند که از آن در امن  
 اندرون چین حرابی پیش آرد ، افسران چینی خبر  
 داده اند که دولت درمزمولی ( یان شی کان ) هیچگونه  
 شکایت نمی خواهد شنید . و نائب السلطنه در این باب  
 از سفر ملاقات نمی تواند کرد چه در این باب نصیبه  
 در طریق گفتگو نه شده است

§ از اخبار واشنگتن ظاهر میشود که سفير امریکا را  
 حکم شده است که درباره ( یان شی کان ) شکایت بنماید

نسخ و ورقه شایعه در خصوص

« نسخ مشروطیت و انفصال ابدی برلمان »

عوقف عرض ندانم اهلحضرت شامعشاه  
 مسلمانان بناه خلافة الله ملکه و سلطانه معروض میداریم  
 در روز دوازدهم شهر حال ( شوال ) که کار گذاران  
 دوا: جمع کثیری از رجوه علماء و شاهزادگان و وزراء  
 و امراء و اعیان و شراف و تجار را حسب الامر  
 احضار بدربار گردون مدار نمودند و از طرف قرین  
 الشرف اراده سفیه را باعطای مجلس شورای عمومی و  
 تأسیس قوانین آن ابلاغ فرمودند ، تمام حاضرین متفق  
 الکلامه جواب عرض نمودند که مجلس شورای عمومی  
 منافی با قواعد اسلام است و ممکن الجمع نیست ، چنانچه  
 برای البین مشاهده کردیم و ما مسلمانان که در تحت

اقدار سلطنت اسلامیست هستیم اهدا راضی نبشوبم که  
 باسلام و دین ما یعنی برسد و درمقابل احکام اسلامه  
 شاه و رعیت یکسان است و بر همه لازمست حفظ  
 دین و آئین شریعت سیدالمرسلین هم ، بعد ازان تلکرافات  
 عموم ولایات و ایالات که قریب بدویست ظفرا بود  
 و سبیل اجتهال قرائت شد

و پس از آن احکام صحیح اسلام و علماء اعلام و  
 ولایات گوش زد حاضرین شد و همراضی عده  
 متظلمه در استیفاء از این بلیه عظیمه از طبقات عاها  
 و اهل علم و طلاب و نجار و اصناف که قان و  
 این محضر بودند یگان یگان خوانده شد ، به ذلک که  
 حصار مجلس از علماء و تمام طبقات بتوسط جناب  
 اشرف صدر اعظم مریضه متضرطه در استعطای  
 انصراف از این عنایت بحضور باهراتور ملوکه گاه  
 قدیم داشتند و پس از امتیضات شرفیاب حضور  
 معدت ظهور شدند و استعطای مجدده حضوری هم  
 نمودند و بعهده مراحم ملوکه و قبول استعطای متعدد  
 اسلامی باصدار دستخط انجم فقط مرخص شدند  
 تا کنون که بوم بیست و چهارم است از ناحیه مقدمه  
 اعلیحضرت هابون دست خط آسائین شرف صدور  
 پذیرفته از آنجائیکه بحکم محکم خلاق عالم جل اسم و  
 حفظ بیضه اسلام در قرون و اعصار و عهد سلطان  
 وقت و علماء اعلام است از آنروز تا حال همه روزه  
 از داعیان مطالبه انجور عهد و اصدار دستخط میبایند  
 و داعیان بدفع الوت گذرانیده تا امروز که مطالبه  
 از حد گذشت چاره ندیده جز شرفیابی در دربار  
 معدت آثار و عهده نایل شدیم و از پیشگاه هابون  
 ایضه بعهده را حداً مسندی هستیم ، و جوف این  
 استعاضار جهت اداه تکالیف شرعی است از صاحب  
 شرع رحمت رجوع ندارم ، و متضرطه جدا دستخط  
 آذیناب قط در آسودگی اهل اسلام از اضطراب و  
 وحشت و دهشقی که در این مرحله دارند از سده  
 سنیه است ما داریم ، قسم بجمیع معظلات شرعیه که ماها  
 بلکه نام اهالی این مملکت برای تأسیس مجلس شورای  
 عمومی حاضر بستند و نتیجه آنرا جز عدم دین و  
 هرج و مرج و هدر دماء محترمه و متک نواپسی اسلامیست  
 نمیدایم لاسر الافس الاعلی طاع مطاع

اما نحن نزلنا التذکر و الله حافظون

بعد از آنکه تلکرافات و احکام کتبی علماء اعلام و حجج اسلام از ممالک محروسه ایران دایر بر حرمت مشروطیت و عریض متضررانه اهالی در استیضاح از ایجاد مجلس شورای ملی همی بتوسط حجج اسلامیه دارالخلافه و انشاء دربار جاوید اقتدار از لحاظ مبارک بتدگان اقدس هابونی خلافت ملکه و سلطانه گذشت در پست و چهارم شهر شوال دستخط آفتاب قط هابونی که قلم معجز شیم ملوکانه در صدر عریضه علماء عظام و حجج اسلام شرف صدور یافت طبقات اهالی مجدانه مطالبه صورت آن را میکردند عجزانه از برای اطمینان خاطر عموم بطور طبع منتشر گردید تا آنکه ما قریب عکس و کراور آسم اشاعه و توزیع گردد بسمه تبارک و تعالی

جنابان مستطابان حجج اسلام سلمه الله تعالی  
 هنرم ما همه وقت بر ضویت اسلام و حمایت شریعت حضرت نبوی صلوات الله علیه بوده و هست حال که مکشوف داشتید تأسیس مجلس با قواعد اسلامیه منافی است و حکم محرمت دادید و علماء ممالک هم بهمین نحو کتبا و تلکرافا حکم بر حرمت نمودند در این صورت ما هم از این خیال بالمره منصرف و دیگر عنوان همچو مجلس نخواهد شد، لکن بتوجهات حضرت امام زمان عجیل الله فرجه در نشر عدالت و بسط عدلت دستور العمل لازم داده و میدهم آنجنابان تمام طبقات را از این هنرم خسروانه ما بر نشر عدلت و رعایت حقوق رعیت و اصلاح مفاسد بقانون دین مبین اسلام حضرت خاتم النبیین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین اطلاع بدهید محمد علی شاه قاجار

حبل اللین

( خود دولت و خود ملت و خود مذهب )  
 ( و خود شرع )

علما و ادبا و فضلاء ایران خاصه حجج اسلامیه مکررات و مراتب ابطال این دطوی کاذبه و این سخنان کاسه را هوده اند، درین ورقه مقصود از علماء ایشان سید کاظم بزیدی و شیخ فضل الله نوری و میرزا ابوالقاسم امام شلبه و خمی و حسن تبریزی و مانند آنها است که خیالاتشان ظاهر و عائد شایع معلوم است، و

اعیانشان کرتل لیاکوف و شایمال بهودی و امیر سجاد و مجلی و امثال آنها میباشد، نجارشان را که سنده شرم مینایم نام بیاورم، سایر طبقاتهم از همین قبیل بوده که آله تمسخر تمام سفرای خارجه و ملل اجنبه گردیدند لطف اینجاست که این اعلان رسمی با این اهمیت را به نوعی ترتیب داده اند مسکه نه سائل معلوم شود نه مسئول عنه نه مبتواش رسمی گفت نه غیر رسمی، حق تابع و ناشر را هم معینی نکرده اند یعنی جای فرار برای خود گذارده اند، چنانچه شاه در جواب سعرا فرار خود را درین قرارداد که این یک جواب شخصی بوده است که من بجا داده ام و ورقه رسمی نیست، و هیچگاه من اجازه طبع و نشر آن را نداده بودم چه من مخالف پارلمان و مشروطیت نیستم، تمام این بساطی است که دو سه نفر در مملکت فراهم آورده اند

بالجمله از این اعلان سه جواب داده شده که درین موقع اشاره ما بر آن لازم است اول جوابی بود که سفرای دول دادند که رسمیت مشروطیت ایران را قائم گذارده و علناً گفتند اینها تمام مازی دربار و جمیع تلکرافات و مراسلات جعلی و جبری است تمام این بساط بواسطه ابطال مشروطیت رسمی ایران نزد خارجه بود که ازین طرف شیشه آرمایشان بسنگ خورد

جواب دوم این بود که پس از انتشار این ورقه ملت داد و در جمیع شهرها اهالی بیبجان آمده بیک صدا گفتند که مشروطیت حزه مذهب ماست، و گردن از اطاعت استبداد کشیدند مانند هیجده شهر خراسان، تمام صوبه وسیع آذربایجان، کلیه بلاد استراباد، تمام صوبه کرمان، بلوچستان، اصفهان، همدان، ملایر، کرمانشاه، پست و هفت بلوک سبه جات لار و - و - و همه با مشنای ملی زدند بر دهان کسایکه خود را مظهر مات قرار داده میخواستند به تضییع حقوق آنها قد نامردی راست کنند تفصیل این واقعات را نگارشات سابقه حبل اللین و تلکرافات روتر و جراند اروپایکان است سومین جواب آنها که راجع بشرح و دیانت اسلام است و دیانت فروشان کوشیدند که باسم شریعت هوام را بفریبند و مذهب شیعه را بدنام کنند، دین مقدس اسلام را مضمحل و این مملکت اسلامی را پایمال نمایند بطبع آنکه چند شاهی رشوه از تالی اشین بزید بگیرند

باسم اجاره بیوت - ملحق مبلتی بآنها رسد و خوبترن  
با به بزیدی معروف کنند و در مخالفت ماروسای مذهب  
چون برادر حاتم کسب نام نمایند و الحاق کردند. در جواب  
آنها احکام منقده حضرات آیات الله و رؤسای مذهب جعفری  
که تخمیناً از دو سال و نیم قبل اشاعه یافته و غالب در  
جبل‌الین انتشار شده و عکس آنها نیز منتشر شده است  
کافی تصور می‌شود و ما بحس تکمیل جواب این فرمان  
حرافت یافت درین جا التنا بیک حکم حضرات  
آیات الله بهما ایم

صورت استثناء

( بسم الله الرحمن الرحيم )

محضر اور حضرات حجج اسلام و آیة الله  
بین الامام عرضه می‌دارد، چه می‌فرمائید در خصوص  
مجلس دارالشعوراء که فعلاً در بهارستان طهران منعقد  
است، آیا قوی و احکام مبارکه که وجوب متابعت  
آن ز ناحیه مقدسه آن حضرات در بلاد ایران منتشر  
است در حق همین مجلس است یا خیر؟

و مخالفت همین مجلس که بعضی عوام بعضی مفسد  
را مستند آن میدانند عاده با امام زمان است یا خیر؟  
و ایضاً صدور احکامی که در خصوص مشق و نظام  
علی و تأسیس مکاتب ضرر جدید و تشکیل بانک ملی  
از آن ناحیه مقدسه اشعار یافته است یا خیر؟

مستدعی است جواب مسئله را بخط مبارک  
مرفوم و بهر شریف مزین فرماید

بتاریخ سیم شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

اجوبه حجج اسلامیه و ارکان

اربعه اسلام در ذیل سوال

جواب حضرت آیة الله

( آقای حرّاسی مدظله العالی )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

بل، مفاد احکام صادره از احقر و سایر آقایان  
عظام دامت برکاتهم لزوم موافقت و تشدید همین مجلس  
محترم ملی شیدا که ارکانه و اصراعواه است، که فعلاً  
در طهران در بهارستان منعقد است، و بمقتضای  
موجب حفظ بیضه اسلام و حوزه مسلمین و رفع ظلم  
و تعدیات و حصول مقاصد و منمغیان است که سلطای  
سال آرزو و تمنا داشتیم، و ساحت همین مجلس محترم  
اجل و ارفع و مبرا و منزّه از التباس این مفسد و  
اقتضانات است، که مفسدین و متبذبین برای صرف  
قلوب علماء اعلام و مسلمین احدث و محض مغالطه و  
افتراء بمجلس محترم نسبت داده و می‌دهند، و همچنین

حکم بوجوب کفایت تمام مشق نظامی و تأسیس مکاتب  
و احدث بانک ملی و وجهی که در ورقة علیحدّه  
نوشته و شرح داده صحیح، و ازین خدام شریعت  
مطهره صادر است

حرره الاحقر الحزنی محمد کاظم الحرّاسی

جواب حضرت آیة الله

( آقای صدر مدظله العالی )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

الحق چنین است که مرفوم فرموده اند، نسبتاً  
تعالی اقامه تشیید المذبه و رفین و اعلاء کلمة الله  
اشاء الله تعالی - حرره الراس ابن صدرالدين العالی

جواب حضرت آیة الله

( آقای مارندران مدظله العالی )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

مراد لزوم موافقت و تأیید و تشیید همین مجلس  
محترم است که الشاه الله تعالی رفع ظلم و تعدی و فساد  
ار عموم عباد مرجو است از همین مجلس محترم و  
اسفاد بعضی عوام و بعضی همایه دار مایه کالانعام  
بعضی مفسد را باین مجلس محترم اشی از فساد عقیده  
دات آنها است، دامن این مجلس محترم از لوث این  
سبها منزّه و مبراست و مسئله تشکیل بانک و تأسیس  
مکاتب و تجدید مشق نظامی روحی است که در  
اوراق علیحدّه مفصلاً و مشروحاً نوشته شده، محل  
وسوسه و شک و شبهه نیست

حرره الاحقر عبده الله للازدرانی

جواب مرحوم آیة الله

( آقای حاجی قدس سره )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

بل مطالب از همین قرار است و کراراً اظهار  
شده است و تأکید پیش از این معنی ندارد، باید به  
تنبک مشککین اسفا هود

الاحقر ابن المرحوم الحاج میرزا خلیل

جبل‌الین

آیا بعد از حکم این چهار عهد جامع الشرايط و  
رؤسای مسلم اسلام که مرجع تقلید طائفة مسلمین اند  
دیگر جای شبهه برای هیچ مسلمانی باقی می‌ماند، آیا  
سید بزیدی و شیخ ماری در برابر این احکام منفه چه  
دارند؟ وجه می‌گویند؟ جای - و لحن دل این جاست  
که هنوز هم بعضی گاو ان سان صورت یا طامیان همایه  
بسر می‌گویند سید کاظم فهمیده، یعنی قاصر است  
به مقصر، شرح قاصر یا مقصر بودن سید کاظم را  
درین موضوع ما از حوزه مقدسه عالیة نجف اشرف

استدعا مینمایم که در هدایت عامه ما را تأیید فرمایند  
عکس این استفتا واحوه آن که بخط مبارک حضرات  
آیات الله اربعه موشح و بختام شریف شان مزین است  
در اداره موجود است

### ادبیات

#### مستزاد وطنی

بارد زلفک خون رخم خطه ایران • آزلم بدخشان  
کز ظلم و ستم کشته نامی همه ویران • آن قطعه گلستان  
نی مانده بجا علم و هنر ز شرف و فضل • رفیرت و به بذل  
از دست فقر گشته همه ملک پریشان • و و چه پریشان  
مالیه مات که همه صرف فواحش • گردید با حش  
اکنون که اصلاح بگنیم بایشان • گشتند پریشان  
با آنکه همه باب عاقی به گشودیم • صد راه نمودیم  
تا زید با ریخت همه خور هنوزان • بکلمه محدود و روان  
از هر طرفی روی نمودیم زاری • با حال فکاری  
نی یار و معینی که کند کار بسامان • سدناه و افغان  
بگذره نرحم نه مرد آن سک ردین • پیود ره مسکین  
در راه حقیقت ندی پیش چه شیطان • نهاد با بان  
آوخ که شده طاقت مار طاق چه یغوب • کو قوه اوب  
نامشت زند بدل و مایح • هیران • بنیم بیایان  
تداد به خنید ز جا با شفی نام • گنگرد ز خود نام  
فریاد کند فرعون ارگردش دوران • کز کف شده میزان  
نی از طرق شرح بود بهره مر اورا • ما این همه و را  
دهویست که ماحارس شرعیم و حسابان • آن جاهل نادان  
جز راه هوس هیچ طرفی بناید • افساه سراید  
کز من شود این مملکت آباد با سان • چون قطعه بستان  
ای شک بی آدم و ای دشم آئین • با چشم همی بین  
این ظلمت و این وحشت و ویرانی ایران • از چیست با انسان  
نامنی بلدان و حرانی تجارت • مدومی صنعت  
کی اس سرادت گذرد زود زمین • ای احق حیوان  
شداد که با آهمه ججهای و رحمت • شکر بکجارت  
تاریخ نظر کن که چه سان گردد دوران • ای دشمن ایان  
در راه هوس هر چه قدم پیش گذاری • در عین فراری  
جز سولتین کام باشد تو تیمان • ای شک بزرگان  
لابق بودت بزوی و بوری بحال • کابن امر مدال  
دیگر چه سان معترف شرمی و ایان • کون نوز قرآن  
خا تو یکی راه حقیقت که نمودی • کوفنی و سودی  
آوخ که نو بدنام نمودی همه شاهان • با حساب ایران  
امروز بکن هر چه بوی که ندانی • فرداست که خوانی  
صد آه که کو افسری و شامی و کیوان • کو آنهمه سامان  
تبریز بریزد بسرت خاک مذلت • کان آب رحمت  
با قوه ملبست و هم طلعت بزبان • آخر شوی حیران

دیری نشود آنکه به قهاری ملت • آرند بذلت  
در محکمه ات کبیر اعمال با سان • گیرند تو این وان  
یاران و هنوزان بدر آتید بیکار • با اهل گهر مار  
تا زید بر این جوق ستم پیشه نادان • چون ضایع غضبان  
یکباره زین ریشه این ظلم بر آرد • تمذیل گذارد  
همراه شما نصر خدا نیست با بان • با قیمت ارزان  
ستار که سرداری ما بسته بخدمت • با آن همه همت  
دیگر چه تعطیل بود بهره پنهان • فرصت بود ایشان  
با قلب شکسته بتو ای خالق ارواح • ای مالک اشباح  
گویم ماده تو یکی همت ایان • ای خالق سبحان  
( م - ر - ض )

#### ترجمه آیرش طلسم ۱۷ دسمبر

اغتشاشات کنونی ایران خیلی جالب نظر دقت  
اروپائیان ده . محمد علی از مسلک زشت خود را در  
انظار طالبان چنان حلوه گر ساخته که هیچوجه قابل  
سلطنت نیست . مسلک دولت روس در عدم مداخلت  
به امور داخلی ایران قابل تمجید است . و این نکته  
در پارلمان انگلستانهم مکرر مذاکره شده . ولی حرکات  
محمد علی چنان ظاهر میدارد که متعریب در ایران  
واقعاتی پیش خواهد آمد که اجاب عبور بمداخلت  
شوند . چنانچه شهرت دارد و نیز قرین وثوق هم هست  
افسران روسی شاه را به زشت . مسلکی اغوا میکنند  
حلوباست دولت روس آنها را طلب نموده کارهای  
دیپلماتی را تخفیف دهد و ایران را ازین کشمکش  
رهانی بخشد

#### ترجمه مارنگ ادور تازر ۱۷ دسمبر

بموجب خبریکه مخبر روتر از طهران میدهد در  
یکی از مرزداشتهای مشروطیین که در طهران به سفارت  
خانها قدم شده در پرده تهدید کرده اند سفر را که اگر  
حنونی آنان کاملاً با آنها نرسد مجبور اند که در احقاق  
حقوق خود طریقه دیگر اختیار نمایند . . . . .  
دیروز عصر اوراق ولانینی چند در کویچه و بازار  
طهران منتشر گردیده که شاه و وزیر جنگ را که  
حکم بخراب کردن مسجد در مشهد داده اند فرین  
عموده بود . یکی از موزعین این اوراق در عین انتشار  
گرفتار گردید

#### ترجمه اسکاتسن ۱۹ دسمبر

امروز صبح محمد علی در ( فرحت ) که فاصله  
هشت میل شرقی طهران است بشکار رفته بود استحکام  
و انتظام زیادی بیش از باغ شاه در محافظه وی عموده  
بودند و عصر معاودت نمود  
ماوحد اعتراض شدیدیکه چند بوم قبل سنیر  
انگلیسی ملاباب قارت کردن عین المراه ۵۰۰۰ لیرا که

به بانک شاهنشاهی تبریز فرستاده شد نموده است  
جواب شافی از دربار تا کنون ما نرسیده.

ترجمه دلی کرانیکل ۲۹ دسمبر

وقایع نگار اخبار (رج) از طهران مینویسد  
شرح حالات جنگی که در خارج تبریز بتاريخ ۲۹ نومبر  
واقع شده و شکست عظیمی که به اردوی عین الدوله  
رسیده بود اردوی عین الدوله که در آن قزاقان لیاکوف  
هم شامل بودند بقتلاً حرکت بجانب تبریز نموده چند  
شلیک نیز به شهر کردند فضاوت اهالی از آن برش غیر  
منتظر ۱۰۰ نفر را مقتول و مجروح ساخت - سپس  
ستارخان از مقام خود با سواران خویش و بیخاسته  
مکن بیرون آمده در مقابل اردوی عین الدوله ایستاده  
و به مجرد ورود از سه طرف برش شدید بارود برده  
و از شهر نیز گلوله توپ در وسط اردوی عین الدوله  
مانند تگرگ می بارید ، در قلیل زمان اردوی  
عین الدوله تاب مقاومت نیاورده سر از پا نشناخت  
بی حواسه لشکریان فرار نمودند و تا ۱۴ میل سواران  
ستارخان اردوی عین الدوله را تعاقب کردند - ۱۴  
توپ با سایر مهمات جنگی از اسلحه و قورخانه قبضه  
مشروطیین در آمد ، از طرفین دو هزار نفر مقتول  
و مجروح شد - و در بین کشتگان مشروطیین نفس  
۶۷ زن که بلباس مردان در آمده مرده در مقابل  
نئون استبداد جنگیده تا شهید شده یافته اند

ترجمه بانی ۱۵ جنوری

تلگرافیک از اصفهان به بوشهر رسیده تصدیق  
می کند اخباراتیرا که ( روز ) در ماده افشاش  
اصفهان داده بود - سواران بختیاری کاملاً شهر را  
بتصرف آورده و ادارات حکومتی تمام قبضه آهست -  
نتیجه این افشاش اردیاب تا امنی بلاد و حراب طرق  
و برادی تجارت در تمام شمال و جنوب است ، قتل  
و غارت در اصفهان همی بوده ، طرفداران شاه  
در اضطراب اند و ادا امید ندارند که از  
اصفهان قشون کسی بآنها برسد - چه شاه نمیتواند  
قشون موجوده طهران را از دور خود دور دارد -  
ازین رو مظلون است که حالت ایران پیش از پیش  
کسب اتری باید - مختارها ، ا هیچ اندیشه و طامی از  
پیش قدمی و تجاوز هیچ طرف نیست ، قشون ساخلوی  
اصفهانم خاج شدند - آنچه معلوم می شود تلگراف  
خانه تاکنون این بوده ، ولی احتمال قبضه بر آن نیز  
بیرون - خوب است مسافری اروپائی در این افشاش  
زین راه عبور و مرور نماید که خوف اطلاق مال  
بر جان برای آنها مبرود

ترجمه از روزنامه ترقی منطبه بادکوبه

مکتوب از جلقا

از روزی که گفتگوی مشروطیت در ایران بیان  
آمده و کلیه مملکت ایران از تمدیات دولتیان خراب  
و ویران شده همیشه توجه ملت مظلومه بطرف حفظ  
حقوق اتباع خارجه بوده که از هر حیثت آسوده و مرفه  
الحال در ایران مشغول کسب و تجارت خود باشند ، در  
حقیقت کسی نشان نمیدهد که در این سه سال انقلاب  
ایران بیک فر تبعة خارجه صدمه از طرف ملت وارد  
آمده باشد مطبوعات روسیه مصدق این قولند که  
می نویسند ( تبعة خارجه از هرگونه مخاطره در ایران  
این اند ) و نظر بر این مأمورین محترم خارجه در  
کمال بی طرفی مشغول کارهای راجعه بخود مستند ولی  
مع التأسف بعضی مأمورین خارجه در داخله ایران  
بارة اقدامات و حرکات می کنند که باعث ازجار خواطر  
ایرانیان میگردد از آن جمله یکی ( زاکاو ) رئیس راه  
شوسه جلقا و تبریز است

( زاکاو ) عملی را میگویند که زنجیر کشیده از تارین  
بول میگیرد

این شخص از روزیکه وارد ایران شده حرکاتش  
تمام بر ضد عالم انسانی و همه خدایش در اجرا  
مقاصدی است که منافی پائیک زماه میباشد بمحمدانه که  
حالا سر عسکر آمده وضع تبریز و جلقا را معاینه دیده  
از حقیقت کار مطلع شده و بی به اخبارات کاذبه این  
شخص رد و نیز رئیس دالتساو ( دره در ) ( یکی از  
منارل همش راه جلقا و تبریز است ) که میرزا نوروز  
نامی است بکنفر تبعة ایران را که مسلمان بوده بی حسیه  
قتل رسانده و سه نفر دیگر را حبس نموده و باعث  
همین حرکت هم همان رئیس حلفاست ، البته حالا از  
دسایس و حیله های او مطلع شده اند دولت روس  
بخاطر بکنفر مفتن ازجار خاطر مات ایرانرا میخواسته  
دفع شر او را خواهد نمود

بکنفر از فدائیان راضی که تمام همش خویش را  
صرف خدمت به ملت خود نموده و در این اواخر  
خدمتانش را در حریت ایران تحت اوامر قهرمان ملت  
ستارخان تمام کرده بود در یازدهم نومبر در ( پروان )  
فوت کرد تشییع جنازه شایانی از او شد از جوانان  
مسلمان دو نفر خطبه بلندی در موقع دفن او قرائت و  
مورد تحسین هموم شدند

اردوی ملی که در ابواغلی ( قریه است بین خوی  
و جلقا منزلگاه راه ارومی و خوی است ) که عبارت  
از مجاهدین قفقاز و عامدار و کرک و ویگانات بود

اعمالدار کرکر ویکات) از محلات مرند آمد بسمت ارومی حرکت کرده وارد دروازه طوی شدند قراول و مستعینین دروازه عمانت از دخول ایشان کرده یکمده مارنجک اداخته قراول ها تنک ها را ریخته و دروازه گذارده فرار مینمایند ابتدا قوچ علی خان که حاکم عامدار و کرکراست و ریاست قشون هم با او بود با دوفر دیگر وارد شهر شده همه زاده شجاع نظام میرزا یک نام که رئیس قراولان دروازه بود بمقام عمانت آمده فوراً مقتول می شود، و تمام قشون ملی داخل شهر شده یکسر بارک هجوم می آورند و با قوه ارمیک ارک و تمام شهر را تصرف کرده حاجی حیدر خان امیر تومان و نصراة خان ماکوئی فرار می کنند و نصراة خان مقتول میشود و همان ساعت خبر رسیده که سواره اکراد از سلسله مخوی می آیند افراد قشون ملی اکراد را استقبال کرده در حوالی شهر حتک پیش آمده چند نفر از اکراد را کشته و همراهه نوب و شانزده صندوق فشنگ غنیمت اردوی ملی شده باقی اکراد فرار می کنند بعد معلوم می شود این اکراد همان فراریان سلسله بوده اند که بی خبر از ورود اردوی ملی بخوی می آمدند حکومت خوی هم از جانب انجمن ایالتی تبریز بفرمان علی خان واگذار شده است و در خوی املیت نامه حاصل است

۲۴ نوامبر بواسطه ملاقاتی که با یکی از مخربین روزنامه های بای نخت شده احوال حضره ابراهیم بطور صحت چنین بدست آمده است

تمام ملت ابراهیم تشنه حریت اند بجز از بعضی مفت خورها کلبه اهالی در راه اخذ قانون اساسی جدای نفس حاضرند

یک مشت خائنین وطن که مقریان شاه مو-ومند مملکت را بفلاکت عظیم سوق مینمایند، بناه علیه ممکن است به اسرار ایها دولتی که با ایران علاقه نامه دارند مخصوص دولت روس را هم زحمت بزرگ سیاسی دوجار نمایند، آذربایجان معلوم است که در نخت تأثیر اتحاد اسلام وقع شده یکسر در استبداد خود میکوشد، و ازین رو همواره بر آسیمی دولت عثمانی که دارای مشروطیت است مراجع مینماید

راه نما و کوماندان مشروطین آذربایجان صاحب منصبان عثمانی اند ستارخان باستامبول یک هیئت خصوصی فرستاده بود و در مقابل در نخت ریاست زون ترکها هیئت فوق العاده روانه آذربایجان شده است، علاوه بر آن دو طاوور عسکر عثمانی در قیافه اسکراد بمجاهد ستارخان فرستاده شده در تبریز مدام از راه طرابزون اسلحه و مهمات حربیه می آید، تبریزی ها

این قدر کسب قوت و عزت کرده اند که بشروطه خواهان سایر بلاد هم مدد می کنند انقلاب تمام ایران را استیلا کرده فقط طهران مثل یک جزیره در میان این دریای انقلاب مانده است این قدر زمان طول می کشد که آذربایجان و کردستان که محاربه عمالک عثمانی است در نخت سر برستی عثمانی اعلان استقلال خواهند داد، بواسطه اختلالات پانیک علاوه بر عثمانی دولت آلمان هم این آرزو را دارد روسیه در این اواخر بی طرفی را تا آخرین درجه صراحت مینماید شاه متصل روس را بمداخله دعوت می نماید باس شاه با تباع خارجه گاه گاهی ظلم و جبر می شود و بگردن مشروطین می اندازد دستهای روسیه روس را در میان ایرانیان بر ضد قانون اساسی ایران معروف می سازند غرض از این اشاعات بروز نامه های اروپا که شاه و طرفدارانش میدهند تولید فساد میان روس و عثمانی است راه سد این فساد منحصر بمجبور کردن شاه است با اجرای قانون اساسی منافع سیاسی روس امروز مقتضی این است و اگر روس و انگلیس متحد شده قانون اساسی ایران را در ایران اجرا نمایند آذربایجان یکی از ایالت مستقله نخت سر برستی عثمانی بشمار خواهد آمد

اسامی معاونین انجمن بیوگان

(و ایتم ایران عطف با سبق)

- بتوسط انجمن وطن خواهان ایران از بهیشتی ۱۲۰۰
- جناب آقامیرزا شاکر خان طهرانی از حیدرآباد دکن ۶۸
- جناب سید علی جان از گوالیر .
- جناب محمد اسماعیل از بلوچستان .
- جمع ۱۲۷۸
- جمع سابق ۵۱۵۹ - ۸
- جمع کل ۶۴۳۷ - ۸

جبل التین

بواسطه عدم گنجایش این هفته ممکن نشد تصریح باسای فرد فرد معاونین بهیشتی بشود انشاالله هفته آینده تجزیه هزار و دویست رویه که توسط انجمن محترم وطن خواهان ایران بهیشتی رسیده اسم باسم خواهیم نوشت آنچه تا کنون به انجمن ایالتی تبریز فرستاده شده ازین قرار است

- دفعه ۵۰۰
- ایضاً ۶۰۰
- ایضاً ۷۰۶
- ایضاً ۶۹۰۰
- خرج تلگراف ۹۴ - ۹

جمع

بقیه هم در همین ایام وصول و ایصال خواهد شد

حبل اللین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

وگلا ذمہ دار ابوجبات مشترکین اند

مدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود

قیمت اشتراک

سالانہ - - شش ماهہ

Habibul Muinin Offi

100 Mal College St.,

CALCUTTA

نامہ مقدسہ

ہند و برہمہ

۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۲۰ قرآن - - ۲۵ قرآن

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

# حبل اللین

۱۳۱۱

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

و سہ شبہ توزیع میشود

ہر دو شنبہ

۷ محرم الحرام ۱۳۲۷ ہجری

استدعا از رؤسای روحانی و قادیان

مشروطیت و اعضای انجمن ایالتی

( آذربایجان و انجمن سعادت اسلامبول )

( چنان است کہ این لایحہ را بدقت )

( ملاحظہ فرمائند )

نقشہ نارتہ سیاسی

معاهده دولتی روس و انگلیس و تقسیمات جغرافیائی ایران طشت از بام اوقادہ است. مقیدہ برخی سیاسیون چون تسلیم قوی و اقرار رسمی از ایران حاصل نکرده صدم شدید کہ تسلیم فعلی و رضای عملی از آنها حاصل نمایند. ظاہر است کہ پیش رفت این مقصود در سایہ اتحاد ملت و دولت غیر میسر بود. این شد کہ ( مقیدہ جی اردانایان انگلستان ) از آن روزیکہ معاهده دولتین امضاء یافت. محالیت بین ملت و دولت رفت آغاز و از همان روز حکمدار جوان ایران شروع مخالفت با مجلس ملی نمود. یعنی روسیای درباری و مابندگان رسمی روس علناً باغزای این جوانان تجربہ اقام نمودہ بدو بعض امتحان وقعہ توخامہ پیش آوردند. چون ملاحظہ شد کہ دولت را در مقابل اتحاد و هیجان ملی ناب مقاومت نیست. و مسئلہ بلکہ طرفہ و مقصد حاصل نخواهد شد. این بود کہ فوری زمین اقتصاد ظاہرا رہم مناقشہ را نمودہ. و باطناً بآر دیاد قوای دولت تأیید کردہ و تدبیر سری ملت را ہم مرعوب و ہم کزور ساختند. تا قاعہ ۲۳ جادی الاولی پیش آمد. و آن حمایت علی را روسها ارشاد نمودند و مقیدہ بعضی سیاسیون منصف بتوب روس مجلس مقدس ملی ایران خراب شدہ خانہ خدا اسطبل ترقی گردید. ظاہراً سر ششکستند. ریش کفند. حبس و تبعید

کردند. وگلا را شکم در بند مدار دند. ناظیر احرار و نصلائی طالمقدار را کشتند و سگ خوراندند و حبس کردند و بزهر حفا از پای در آوردند. و در همان روز مأمورین روس در رشت و تبریز و سایر بلاد کہ احرار را قوی یافتند آغاز تہدید و ترغیب آنها نمودہ قسمی کہ جز تبریر ایران را وادی خواموشان ساختند و چہ زیادتیها کہ قوسل تبریز نمودہ. وجہ تأییدها کہ بدولتمانی داد تا جایکہ شرح اقدامات ماجاز لباکوف و سفیر روس موضوع بحث محافل رسمی شد و بہ تصدیق رسید. شرح این واقعات را مکرراً و مفصلاً در جلد امین نگاشته تکرارش درین مقام خارج از موضوع و گنجایش است

بلی دولت انگلیس طاهرا در مخالفت ملت اقدامی نمود. ولی سکوتیکہ اختیار نمود در مداخلت روس با ہم عدم مداخلت در امور داخلہ ایران طیباً بالاترین حمایت بشاہ شد و از اعتراضاتیکہ اعضای پارلمان انگلستان مکرراً سر ادوردگری و بر خارجہ در حمایت روس از شاه شدہ و اجریہ کہ معظمہ دادہ استقامت میروہ کہ این نقشہ بعد از معاهده بین روس و انگلیس و ملاقات دو پادشاہ حبل اللین انگلیس و روس در (ریوال) کشیدہ شدہ

آیا در این اقدامات دولتین انگلیس و روس بالاصالح فرض پلٹیکی داشته و یا مقصودشان جلوگیری از اثرات آلمان بودہ ازین موضوع خارج است و باین ہم اکتفا شدہ در ہر سہ چند ماہ بوعده های پلٹیکی ملت را افعال نمودہ طاهرا گامی ہم بر نوسق در افتتاح پارلمان کردہ ولی باطناً براہ پلٹیکی همان روسیان درباری شاہ را مطمئن ساخته ضمناً ہندایر جعلی اعلان نسخ مشروطیت و انعقاد مجلس ( قوسول آف استیت . مجلس درباری ) دادہ شد ہجرت آنکہ در حین افتتاح

ن مجلس هم ترجمانهای سفرای روس و انگلیس حاضر  
 ده و عمیت و کلا دربار و حضور شاه هم رفتند و این  
 مراتب تا اداره دل است بر ایکه دولتین در باطن ار  
 شاه حمایت نموده و به پلتیک در اغفال ملت میکوشند  
 بالجمله همینکه کار باین جاها کشید و طشت حمایت  
 مأمورین روس از بام افتاد ، و میاهوی احرار پارلمان  
 انگلستان و جراند معتبره عالم از حد گذشت و فشار  
 سحت بوزارت خارجه انگلیس از حریت پرور است  
 انگلستان داده شد و مقتضیات پلایکیم از چهار طرف  
 اقتضا نمود روسها از مداخلات علنی قاصر مانده باچار  
 دولت روس سفیر طهران را تبدیل سکرت و بطور  
 رسمی یا هم رسمی تمام الزامات و بسفیر معزول باید  
 داشتند و حال آنکه هنوز هم بانک روسی روزانه پول  
 بشاه میدهند .

اینکه ظاهر میدارد شاه به صاحب روس و انگلیس  
 عمل نمیکند ، و بعضی الزامات افغنی شاه داده میشود ،  
 عذر بدتر از گناه است ، و هرکس آشنا بعمليات سیاسی  
 و اجراءات این چند ماعه ایران باشد تصدیق این اقوال  
 را نتواند کرد ، چه بر طالبان ظاهر گردیده ، که شاه  
 قدسی بر میدارد جز باشاره مأمورین روس ، سخنی  
 نمیگوید جز بدستور العمل روسیان درباری جرئت  
 اینکه دفاع از حقوق شخصی در مقابل روسها به نماید  
 ندارد ، تا چه رسد ، اینکه روس و انگلیس توأم باو  
 اصرار نموده و مکرر تأکید در افتتاح پارلمان نمایند و  
 او التی ترانی جواب گوید ، این سخنان برای اغفال ما  
 و بظاهر از روی پلتیک رفع الزام از خود کردن است  
 همینکه اعلان منسوخی پارلمان که در امتحان ملت  
 و سنجش رقبای سیاسی داده شد بواسطه هیجان ملی  
 و معارضات رسمی مسئله رنگ دیگر لبس نمود ، و  
 چون خدمه این چند ماعه بخوبی آشکار شد و دانایان  
 ملت دستند که مواهبده هر قوی و اطمینان پلتیکی  
 دولتمن نقش بر آب است وضع دیگرگون به نظر آمد  
 حصه سابقه که دیدند ملت مخدع سیاسی بی رده  
 و چشم از آنها پوشیده در احقاق حقوق ملایه خودشان  
 سفری دول سازه دارد رجوع می نمایند این است  
 که در آ ورق را برگردانده تمام الزامات را باید شاه  
 رسته ، حرف نشو و اذان و غیر طاقت اندیشش  
 میگویند و ظاهره مشروطیت ایران را حامی شده  
 ولی در باطن باز دارد به یک مقصود پلتیکی که تازه  
 بروز نموده ، شاه را تقویت می نمایند که مبادا ملت  
 غایبه نامه حسته نقشه که دو سال است زحمت کشیدن  
 او را کشیده اند زبر و بالا شود ، در معنی کوشش دارد  
 که قوی مبنی و دولتی ایران را در بله میزان اعتدال  
 قرار داده تا هرج و مرج از مملکت رفع نشده جای

پیش کردن دعوی خود و پیش بردن مقصود اسلستان  
 باقی مانده ، که همان اقرار رسمی گرفتن از مات و دولت  
 ایران و تصدیق عملی کرد نشان است بر معاهده مذکوره ،  
 تمام این رنگ ریزها مندمه همین مطالب بوده و  
 هست ، این همه خونها که ریخته شد مبنی بر همان اصل  
 است ، و ما فلک زدگان پلتیک نا آشنا باین و آن  
 می جسییم ، و تصور را بگردن همدیگر میگذاریم  
 سیاسیون آلمان و انگلیس و روس و عثمانی در سر  
 نطمع وطن عزیز ما مشغول بشطرنج بازی اند ماویش  
 زرد شیخ فضل الله و لحیه سرخ مریه ادر را گرفته ایم  
 هوجد سیاست اینها آله اند دستمایه که این آله ما را  
 بکار می اندازد باید نطمع کرد

در آیتات پلتیک نکته که اتفاق دولتین در معاملات  
 ایران از بعد معاهده و پلتیک بازی سایر سیاسیون  
 دول سازه مانده بلکه نظر سرسری بواقعات دو ساله  
 وطن خود نموده اندکی هم توجه به نگارشات حراند  
 معتبره رنگ به ما هم

تخمیناً سه ماه و نیم قبل اخبار ( نویوریها ) که  
 زبان خارجه روس شناخته می شود در ضمن مقاله  
 مخصوصی که در حاده ایران نوشته اشاره به بعضی اقدامات  
 پلتیکی آلمان نموده می نویسد : دولت آلمان سامی است  
 حاجلاً نجه بانگ خود را در تیریز افتتاح نماید ، در  
 آن ضمن اخبار مذکور مینویسد : اوضاع ایران  
 قسمی کس اهمیت نموده که لازم است یک کافر نس  
 برای اصلاح اوضاع آن تشکیل شود ،

پست و یکم جنوری در تأیید همان مقال مخبر روز  
 مینویسد : در ادارات رسمی روس شهرت دارد که  
 در برتربرگ بزودی کافر نسی منعقد خواهد شد از  
 نمایندگان روس و انگلیس و وکلای شاه و مشروطیین  
 تا فور نمایند که بگدام ذریعه سهله امنیت را میتوان در  
 ایران قائم نمود

این دو تا کراف را که یکجا جمع نمایم تصدیق  
 خواهیم نمود که انضاد جنب کافر نسی ر روسها از  
 دربار آرزویند بود ، احساس روس و انگلیس هم  
 در معاملات ایران مسلم ، پس ازین جمله این بر می آید  
 که تمام بن بازهای آخری ، و عدم قبول شاه صاحب  
 دولتین ، رای انضاد کافر نس منظور نموده است ، چه  
 اگر آن ساطه بروی کار می آمد موقع پیش نمودن  
 و اظهار لزوم جنان کافر نسی نمیرسید

کافر نس منظور بوضی که اشاره شده هرگاه خدای  
 تا خواسته صورت نداد مزار بسیار برای ملک و ملت  
 و دولت ایران دارد ، یعنی ملی استقلال آنهاست  
 اول ، آنکه قبل ما اینگونه کافر نس را سند قوی  
 خواهد شد برای دولتین در آتیه که در مناقشات داخل



ایران جز آنها دول دیگر را حق وساطت و دخالت نیست و این امر بالأصله بزرگترین نکته سیاسی در سلب استقلال يك دولت تصور می شود. و یکی از منشأهای عهد معاهده روس و انگلیس همین است که رجوع ما را از دیگران قطع کرده منحصر بخود سازند

دوم - این کافر نس به گونه تصدیق گرفتن عملی است از ملت و دولت ایران و معاهده مذکوره آنها سوم - قبول آمدن با بران به فرصه توام است با مفتشین طالبه خودشان که نتیجه آن نخارا و مصراست چهارم - این کافر نس اعاقی سلطنت این جوان را لازم قرار میدهد و این خواهشی هست که ظاهراً شاه از سفری، روس و انگلیس نموده بود که اگر ضابط بی سلطنت مرا میبایند من در دادن مشروطیت حاضر می ولی در باطن این هم يك نکته پلینی بود که ما میبایده بودم حالا دولتین روس و انگلیس برای ضمانت عملی ز سلطنت شاه این مسلك را اختیار نمودند. این کافر نس بر حسب خواهش شاه است که صماً ملثاً و مقصد دولتین هم حاصل می شود و این امر مسلم است که ما بودن این جوان بر سر سلطنت همه وقت اسباب کشمکش برای آنها را بران مهیا خواهد بود. و هر آن که بخواند يك اشاره خواهد کرد. آنچه را که کرد، بجم این کافر نس لابد بسی از حقوق ملیة ما را ماطل و ماطل خواهد نمود. چه باینندگان دولتین متعهد اند و از آنچه پوشتم ثابت می شود که این کافر نس هم برای تأیید شاه منقذ خواهد شد. درین صورت باینندگان ملی که حکم يك فرد را خواهند داشت در مسائل باینندگان روس و انگلیس و وکلاء شاه چه گونه حفظ حقوق ملی را قادر خواهند شد. این کافر نس اگر چه بظاهر الفاظ چور شهید است ولی در باطن برای ملت ایران بزم آلوده شده

این کافر نس را وقتی میخوانند منقذ باینند که تمام ملت در احقاق حقوق خود گریسته، و ضعیف شاه بشماره اوفتاده، و ضعیف سر رشته امور از کف شاه و مستبدین بیرون رفته که باطاه های سری و تأییدات خفیه مالی هم مستبدین کاری اریش شتوانند رد این است که ما این اسم میخوانند مداخلت در امور داخله ما نموده حفظ مقام شاه را میبایند. تا وقتی که دولت غالب بود اگر از طرف ملت اظهار یا د مبانی می شد عدم دخالت خود را در امور داخله پیش میکردند. اینک که دولت ز چهار جانب دوره شده نام کافر نس میخوانند خودی دو میان انداخته خویشتن را واسطه و مصلح و خیرخواه جلوه دهند.

هیچ وقت ملت باید رضا دهد که دولتین روس و انگلیس باسم کافر نس مداخلت در امور داخله آنها میبایند البته این نکته بر سیاستپون پوشیده نیست که از روی

حتم و یقین امروزه دولتین روس و انگلیس در امور داخله ایران تصرفات جبری نتوانند نمود یعنی قوه قهریه، چه بر حسب اقتضای کمون سیاست ایران بر دو دولت بالمحبوبیه و بالاختیار سوق عسکر ماران نتوانند کرده چه ز یکطرف نافع سیاست امروزه آنها نیست. و از طرف دیگر دولت عثمانی و آلمان هم در اقدامات جبری آنان ساکت نتوانند نشست

امروز موقع ایران چنان کسب اهمیت نموده که قبضه به کف ارجح آن برای هیچ دولت ممکن نیست و خوف آن می رود که جنگ عمومی اروپا را دعوت نماید. امروز مداخلات جبری در ایران برای هیچ دولت مقرون بصرفه نتواند بود. این است که میگوئیم دولتین روس و انگلیس قهراً مداخلت در امور داخله ما نتوانند کرد. پس ملت ایران راست که هوش آمده بدو سق هم بگذارد اسباب مداخله آنها فراموش آید ماسد کافر نس و امثال آن

شش ماه متجاوز است که درین موضوع بحث نموده اند و وطن خود را منقذ کرده ایم که مرعوبیت را از خود دور داشته مطمئن باشیم خارجه در امور داخله شاه دحالت شو حد کرده برخی اشتهاارات را راه پلینک مستبدین ایران و شاه را استبداد در لندن و پترسبرگ شایع می شود که ملت مرعوب شود رین وسدم خلی اشهاارات خواهند داد ولی نظر بآن دائرة اطلاعات واسعة که ما راست ملت خود را مطمئن میدهیم که حراً هیچ دولتی امروزه در مورد داخله ایران تصرف نتواند نمود پس مرعوبیت و پلینک باید حق دحالت با آنها داد ما کمال قوت قلب رعای را از خود دور ساخته در حفظ حقوق ملیة خویش بکوشید. ما که مینویسیم دولتین روس و انگلیس در امور داخله ایران مداخلت نخواهند کرد حسن ادب و نزاکت سیاست بکار میبریم و ره نظر محباتیکه میدانم و ذکرش را مناسب میدانم نتوانند کرده. ملت ایران باید مطمئن شده ترك مرعوبیت گفته در احقاق حقوق ملیة خویش قیام نماید چه در مسائل هیجان سیاسی ملت صد روس و انگلیس را کاری از پیش نتواند رفت

جذایچه ذکر کردیم کافر نسبکه رمزیه انش در پترسبرگ هست ولو تاکنون سمت رسمت پیدا نکرده ولی نمیتوان صراحتاً تکدیب و تصدیق آرا کرد البته درین شبهه نیست که روسها خیلی طالب انعام چنین کافر نس هستند و ذروی ابقان این کافر نس هیچ راه برای ملت ایران مفید تصور می شود. اگر رساه از طرف دولتین تحریک شود. ملت ایران کلبتا باید رد نماید. و تا حاتیکه ممکن است ز بار قبول انعام کافر نس نرود. اگر فرض این کافر نس خیر خواهی ملت و دولت ایران و وساطت است بطورهای دیگر هم میتواند به نمایند